



# IRANA ESPERANTISTO

IREA  
Irana Esperanto-Asocio

# سپڙاندیشان

پاڙ

Kultura sezon-revuo en Esperanto, la persa, la araba kaj la kurda  
N-ro: 47, Dua Serio, Aŭtuno 2023

فصلنامه‌ی فرهنگی چندزبانه اسپرانتو، فارسی، کردی و عربی  
شماره ۴۷، دوره دوم، پاییز ۱۴۰۲



Bonvenas eseoj, artikoloj, raportoj kaj kontribuajoj kondiĉe ke ili ne estu publikigitaj antaŭe. Bonvenas kultur-temaj kontribuajoj ĉu en Esperanto ĉu en la persa, la kurda, aŭ la araba.

\*\*\*

Ĉia presa aŭ elektronika citado aŭ eldonado de materialoj de IRANA ESPERANTISTO, ĉu originale ĉu tradukite en aliajn lingvojn, estas permesata. Bonvole menciu pri la fonto kaj la originala lingvo (t.e. Esperanto aŭ la persa) kaj se eble, informu nin pri eldonaĵo en kiu aperis io de aŭ pri IRANA ESPERANTISTO aŭ/kaj sendu ciferecan kopion al ni: [info@espero.ir](mailto:info@espero.ir).

فصلنامه‌ی پژوهشی - فرهنگی چندزبانه‌ی اسپرانتو، فارسی، کردی و عربی

دوره دوم، شماره چهل و هفتم، پاییز ۱۴۰۲  
شماره استاندارد بین‌المللی (ISSN):  
۱۷۲۸-۶۱۷۴

تاریخ انتشار نخستین شماره: پاییز ۱۳۸۱

نقل مطالب مجله با ذکر منبع و مآخذ جایز است و از استفاده کنندگان درخواست می‌شود یک نسخه الکترونیکی یا تصویر از نشریه‌ای را که در آن مطلبی به نقل از این مجله درج شده است به نشانی اینترنتی مجله ارسال کنند.

مسئولیت مطالب مندرج در این مجله برعهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.

گرافیک و حروفچینی: سبزاندیشان

نشانی‌ها:

پایگاه اینترنتی: [www.espero.ir](http://www.espero.ir)  
پست الکترونیک: [info@espero.ir](mailto:info@espero.ir)

### Plejofte uzataj mallongigoj

AOK: Azia Oceania Kongreso  
ILEK: Irana Literatura Esperanto Konkurso  
IrEA: Irana Esperanto-Asocio  
IrEJO: Irana Esperantista Junulara Organizo  
IrEK: Irana Esperanto-Kongreso  
IrLEI: Irana Ligo de Esperantistaj Instruistoj  
KAOEM: Komisiono pri Azia-Oceania Esperanto Movado  
UEA: Universala Esperanto Asocio  
UK: Universala Kongreso  
UN: Unuiwintaj Nacioj

### Kontribuantoj:

\* Nazi Solat \* Shler Karimi \* Ali Moradi  
\* Keyhan Sayadpour \* Hamzeh Shafiee

### Reviziantoj:

Mohammad Javad Bayat \* Nayyere Ebrahimipour \* Simin Emrani \* Shler Karimi \* Ahmadreza Mamduhi \* Ali Moradi  
\* Keyhan Sayadpour \* Hamzeh Shafiee \* Nazi Solat

### Kovrila Paĝo:

Supre: La prezidanto de IrEA en Gresillon  
Sube: Zamenhof-tago en Kurdistan

### Lasta Paĝo:

Poemo de Ángel Arquillos López

### طرح روی جلد:

بالا: رئیس انجمن اسپرانتو در گریزیون فرانسه  
پایین: جشن روز کتاب اسپرانتو در کردستان

### طرح پشت جلد:

شعری از آنجل آرکیلس لویز



# En ĉi tiu numero:

# در این شماره:

- 4 Antaŭ ĉio..
- 5 Monda Tago de Edukado
- 5 Novaĵoj
- 6 Artikolo: Aviada Lingvo
- 10 Intervjuo  
Tradukis: Nazi Solat
- 14 Scienca artikolo  
Tradukis: Ali Moradi
- 17 Paradizo por Esperantistoj  
D-ro Keyhan Sayadpour
- 18 Esperanto, ne estas tio..  
Tradukis: Hamzeh Shafiee
- 21 Interkultura Novel-Konkurso
- 22 Novelo: Marfanulino  
D-ro Keyhan Sayadpour
- 23 Zamenhof Tago en Irano  
Shler Karimi
- 24 Esperanto en UNESKO
- 25 Pri la Hispana Kongreso de Esperanto  
Verkinto: Liba Gabaldi, Tradukis: Zahra Nobahti
- 26 Gazetaraj Komunikoj de UEA
- 27 Paĝoj en la Kurda Lingvo  
Shler Karimi
- 30 Paĝoj en la Araba Lingvo  
D-ro Keyhan Sayadpour



- 4 قبل از هر چیز ...
- 5 روز جهانی آموزش
- 5 اخبار
- 6 مقاله: مکالمات هواپیمایی
- 10 مصاحبه با خانم گونگ شیائونفنگ  
ترجمه: نازی صولت
- 14 مقاله علمی  
ترجمه: علی مرادی
- 16 بهشت اسپرانتیست‌ها  
دکتر کیهان صیادپور
- 18 اسپرانتو، آن چیزی نیست که ...  
ترجمه: حمزه شافیعی
- 21 مسابقه داستان کوتاه بین فرهنگی
- 22 داستان: خانم بیمار مرفان  
دکتر کیهان صیادپور
- 23 روز زامنهوف در ایران  
شهر کریمی
- 24 اسپرانتو در کنفرانس عمومی یونسکو
- 25 درباره همایش اسپرانتو در اسپانیا  
نویسنده: لیبا گابالداه، مترجم: زهرا نوبختی
- 26 بیانیه‌های مطبوعاتی  
بیانیه مطبوعاتی سازمان جهانی اسپرانتو
- 27 صفحات کردی  
شهر کریمی
- 30 صفحات عربی  
کیهان صیادپور

## Antaŭ ĉio...

Dum la mondo kaj precipe Mezoriento daŭre estas en streĉiĝo kaj la bezono de paco kaj trankvilo, estas sentate pli ol iam ajn ke la aktivuloj de Esperantomovado klopodu vekti internacian konscion per la instruado kaj uzo de la lingvo Esperanto, kiu povas, kiel dirite en la mesaĝo de la UEA okaze de la Monda TAGO de Edukado, konduki al "sento de solidareco inter malsamdevenaj homoj, kune kun interkompreno kaj estimo inter nacioj kaj komunumoj". Feliĉe, en la lastaj jaroj, la atento al Esperanto-edukado pligrandiĝas en nia lando, kaj oni esperas, ke ni vidos pli da aktivadoj en tiu ĉi kampo en la venonta jaro.

Ĉi tiu numero de la revuo, komenciĝas per tre leginda artikolo rilata al la aviada industrio. La artikolo montras kiom efika la elekto de la ĝusta lingvo por aertransportado povas esti por savi homajn vivojn. Tiu ĉi artikolo eble povas esti motivo por rekonsideri la defion anstataŭigi la anglan per Esperanto kiel la lingvo de internacia aertransporto, same kiel Kent Jones provis realigi ĝin.

Bondezirojn por la Novjaro 2024,

Hamzeh Shafiee

## قبل از هر چیز...

در حالی که جهان و به ویژه خاورمیانه همچنان در تنش به سر می‌برد و نیاز به صلح و آرامش بیش از هر زمان دیگری در عصر حاضر احساس می‌شود، فعالان جنبش اسپرانتو در تلاش برای افزایش آگاهی بین‌المللی از طریق آموزش و کاربرد زبان اسپرانتو هستند که می‌تواند، آنگونه که در پیام سازمان جهانی اسپرانتو به مناسبت روز جهانی آموزش آمده است، منجر به «حس همبستگی بین افراد با ریشه‌های مختلف، همراه با درک متقابل و احترام بین ملت‌ها و جوامع» شود. خوشبختانه در کشورمان نیز طی سال‌های اخیر توجه به آموزش اسپرانتو رو به افزایش بوده و امید می‌رود که در سال آینده باز هم فعالیت‌های بیشتری در این زمینه را شاهد باشیم.

این شماره از نشریه، که متأسفانه با تاخیری بیش از معمول منتشر می‌شود، با یک مقاله بسیار خواندنی مرتبط با صنعت هوانوردی شروع می‌شود. این موضوع که انتخاب زبان مناسب برای حمل و نقل هوایی چقدر می‌تواند در نجات جان انسان‌ها موثر باشد و آگاهی از اینکه تاکنون چه جان‌هایی به دلیل ناتوانی افراد شاغل در این صنعت در تسلط به زبانی که سال‌هاست به عنوان زبان بین‌المللی بر این عرصه تحمیل شده است شاید تلنگری باشد تا همچون «کنت جونز» به چالش جایگزینی زبان انگلیسی با زبان اسپرانتو به عنوان زبان حمل و نقل هوایی بین‌المللی بیندیشیم و برای تحقق آن تلاش کنیم با بهترین آرزوها برای سال نو ۲۰۲۴،

حمزه شفیعی

## Tago de Edukado

24 januaro  
2024

Lernado por  
Daŭra Paco



## پیام سازمان جهانی اسپرانتو به مناسبت روز بین‌المللی آموزش

۲۴ ژانویه ۲۰۲۴ (۴ بهمن ۱۴۰۲)

آموزش و انتقال دانش، جامعه بشری را از طرق مختلف، از رفاه فردی و شهروندی گرفته تا رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و انسجام اجتماعی، غنی می‌کند. این به مردم اجازه می‌دهد تا فرهنگ خود را درک کنند و به طور کامل از نظر اقتصادی و سیاسی در جامعه مشارکت کنند. از طریق آموزش برای همه، فرد خواسته‌هایش را جستجو کرده و راه‌هایی برای بهتر زیستن پیدا می‌کند.

موضوع یونسکو برای سال ۲۰۲۴ "آموزش برای صلح پایدار" است. برای مبارزه با خشونت مبتنی بر تبعیض، نژادپرستی و نفرت، که به درگیری‌ها دامن می‌زند و جنگ‌های جدید را ایجاد می‌کند، باید تعهد خود را به صلح، عمدتاً از طریق روشنگری و آموزش، تقویت کنیم.

آموزش نقش حیاتی در جامعه دارد. این یک حق انسانی و یک مسئولیت عمومی است. آموزش خوب دانش را توسعه می‌دهد و ارزش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و رفتارها را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد تا به بازیگران صلح در جوامع خود تبدیل شوند. صلح پایدار نیازمند تحقق حقوق بشر، حکومت دموکراتیک، گفتگو، همبستگی و همکاری است.

برای تحقق کامل این اهداف، آموزش چند زبانه ضروری است: سواد به زبان مادری، تعمیق و استفاده منظم از چندین زبان، از جمله زبان‌هایی که در کشور مربوطه کاربرد دارند، استفاده روزانه از زبان‌های مختلف، درک بین فرهنگی از طریق زبان‌های شناخته شده بین‌المللی، و یادگیری مادام‌العمر چندزبانگی کمک قابل توجهی به آگاهی بین‌المللی و یادگیری هنر و علم همزیستی انسانی می‌کند. ما به ویژه این یادگیری را از طریق اسپرانتو ارائه می‌دهیم. زبان بین‌المللی این امکان را فراهم می‌آورد که حس همبستگی بین افراد با ریشه‌های مختلف، همراه با درک متقابل و احترام بین ملت‌ها و جوامع را ارتقاء دهد. اسپرانتو راه را به سوی ثروت عظیم فرهنگی و جامعه‌ای بین‌المللی باز می‌کند که مردم بسیاری از کشورها را به هم متصل می‌کند. انجمن ما سخت کار می‌کند تا مردم را در صلح دور هم جمع کند. ما همچنین با سازمان‌های دیگر با اهداف مشابه متحد هستیم. به عنوان مثال، سخنرانان اسپرانتو از سال ۱۹۰۵ هر سال در کنگره جهانی اسپرانتو گرد هم می‌آیند. در سال ۲۰۲۴، برای اولین بار، این کنگره در آفریقا، در آروشا، تانزانیا برگزار خواهد شد.

## چند خبر کوتاه



\* تا پایان دیماه امسال، ۳۲۵ نفر از ۴۸ کشور برای شرکت در یکصد و نهمین کنگره جهانی اسپرانتو که از ۱۳ تا ۲۰ مرداد ۱۴۰۳ در آروشا (تانزانیا) برگزار می‌شود، ثبت‌نام کرده‌اند.

تصویر روبرو ساختمان محل برگزاری کنگره و کمیته برگزارکننده آن را نشان می‌دهد.



شرکت پست لهستان به مناسبت گردهمایی جشن اسپرانتیست‌ها در GRUPE-25 که در شهر گلیویس برگزار شد تمبری منتشر کرد. این اولین تمبر لهستانی مربوط به زبان اسپرانتو است که پس از سال ۱۹۸۷ منتشر می‌شود.

\* پنجاه و هفتمین کنگره «اتحادیه جهانی آموزگاران اسپرانتو» (ILEI) از ۲۰ تا ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۴ (۳۰ تیر تا ۶ مرداد ۱۴۰۳) در شهر ماسه‌یو برزیل (Maceió) برگزار می‌شود.



شماره ژانویه مجله اسپرانتو را می‌توان رایگان دانلود کرد:

[uea.org/revuoj/esperanto](http://uea.org/revuoj/esperanto).

علاوه بر این امکان دانلود رایگان تمامی مجموعه‌ها و شماره‌های سالانه بیش از یک سال پیش با استفاده از همین لینک وجود دارد.



### سان مینگ شیائو: اسپرانتیست سال ۲۰۲۳

ماه دسامبر گذشته، در روز زامنهوف، نتیجه انتخابات اسپرانتیست سال ۲۰۲۳ اعلام شد. این عنوان افتخاری امسال به سان مینگ‌شیائو (Sun Mingxiao)، اسپرانتیست ۵۹ ساله، بنیانگذار موزه بین‌المللی اسپرانتو در زائوژوانگ (Zaozhuang) چین اهدا شد.

نشریه موج اسپرانتو (La Ondo de Esperanto) از سال ۱۹۹۸ همه ساله مراسم انتخاب اسپرانتیست سال را برگزار می‌کند. نمایندگان گرایش‌های مختلف در جامعه اسپرانتو و کارشناسان مستقل در این پروژه مشارکت دارند.

سان مینگ‌شیائو یک اسپرانتیست ۵۹ ساله از چین است که این زبان را در محافل دانشگاهی گسترش می‌دهد. ده سال پیش، او موزه بین‌المللی اسپرانتو را در دانشگاه زائوژوانگ راه‌اندازی کرد که با ۲۶۰۰۰ شیء نمایشگاهی در ۶۸۰ متر مربع به سرعت به بزرگترین موسسه در نوع خود در آسیا و یکی از بزرگترین در جهان تبدیل شد. برای چندین سال، آقای مینگ‌شیائو در همان دانشگاه به تدریس اسپرانتو پرداخت که از سال ۲۰۱۸ به عنوان بخشی از برنامه جدید چهار ساله کارشناسی ارشد شروع شد. ایشان در سال ۲۰۲۳ از کار خود بازنشسته شد، اما همچنان در زمینه اسپرانتو فعال است.

# انگلیسی یا اسپرانتو؟

## کدامیک ناجی جان مسافران هوایی هستند؟<sup>۱</sup>

### درمورد نقش زبان انگلیسی در بروز سوانح هوایی مرگبار

یکی از طرفداران اسپرانتو می‌گوید که این زبان آسان و قوی می‌تواند جان انسان‌ها را در آسمان نجات دهد.

Author: Stefan Vilcins Date: September 5, 2003 Appeared in READER,

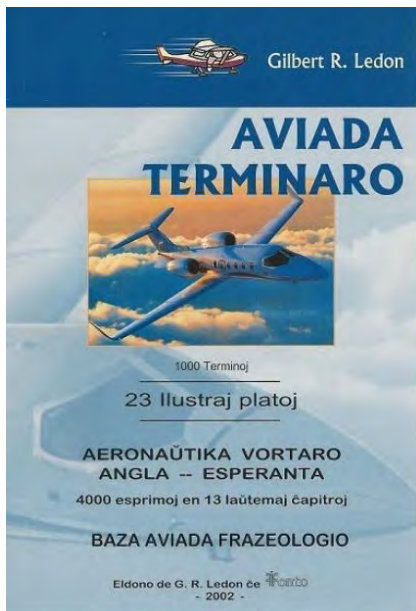
نقل از: <https://www.kordynet.com/pdfs/PlaneSpeaking.pdf> تهیه و ترجمه از: احمدرضا ممدوحی mamduhi@gmail.com

چکیده:

در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۵، پرواز ۹۶۵ آمریکن ایرلاینز، که پرواز یک هواپیمای بوئینگ ۷۵۷ از میامی به کلمبیا بود، با کوهی در نزدیکی کالی، کلمبیا برخورد کرد. در میان ۱۵۹ کشته شده‌ی این فاجعه، نامزد دختر کنت جونز نیز بود. این حادثه مرگبار در تعهد محکم کنت جونز برای مبارزه برای جایگزینی زبان انگلیسی با زبان اسپرانتو به عنوان زبان حمل و نقل هوایی بین‌المللی، نقش به‌سزائی داشته‌است. علت این سانحه‌ی هوایی فجیع، فقط این بود که خلبانان در درک دستورهای مسئولان برج کنترل ترافیک هوایی کلمبیا مشکل داشتند - تلفظ سخت و سوءتفاهم برانگیز زبان انگلیسی.



کنت جونز، اسپرانتودان آمریکائی



از ۲۰ ژوئن ۲۰۰۰، کنت جونز هر پنج‌شنبه از ۱۰ تا ساعت ۱۱ صبح در میدان فدرال شیکاگو، به عنوان اعتراض علیه امتناع اداره هوانوردی فدرال (FAA) برای انجام یک تحقیق زبانشناسی در مورد این سانحه و نقش زبان انگلیسی در آن، حاضر می‌شد. سرانجام، یک خبرنگار روزنامه دیلی‌هرالد در رابطه با مشکل زبان بین‌المللی هوانوردی با کنت جونز مصاحبه کرد و علت بهینه بودن زبان اسپرانتو را برای ایفای این نقش حیاتی از کنت پرسید. مجله‌ی Air Safety Week یا «هفته ایمنی هوایی» (۲۳ اوت ۱۹۹۹، صفحه ۹) مقاله‌ای را از کنت جونز منتشر کرد، که در آن این مسئله را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده بود و نشان داده بود که انگلیسی مطمئناً مناسب‌ترین زبان برای ارتباطات بین‌المللی نیست و بهترین انتخاب، زبان آسان و منطقی اسپرانتو است که تلفظ آن برای تمامی انسانها از نژادها و زبان‌های مختلف جهان راحت و قابل درک است. علاوه بر این، در آن زمان تحقیقاتی هم صورت گرفته بود تا گفتگوی شفاهی را با یک سیستم دیجیتال جایگزین کنند.

کنت با تشویق و همکاری کردن با گیلبر آر. لدون، انتشار فرهنگ لغات هوانوردی ۲۸۶ صفحه‌ای انگلیسی-اسپرانتو را تحت عنوان «مجموعه اصطلاحات هوانوردی» در سال ۲۰۰۲ عملی ساخت. این اقدام ارزشمند و عظیم هر دوی ایشان، الهام‌بخش ایجاد، گروه «اسپرانتو در هواپیمایی» در همان سال ۲۰۰۲ نیز شد.

«مجموعه اصطلاحات هوانوردی»

فرهنگ لغات هوانوردی

انگلیسی-اسپرانتو

۲۸۶ صفحه با ۲۳ صفحه تصویر

حاوی ۴۰۰۰ اصطلاح هوانوردی در ۱۳

موضوع اصلی

نشر Fonto (چشمه) ۲۰۰۲

۱- عنوان اصلی این مقاله به زبان انگلیسی Plane Speaking عمدتاً به گونه‌ای انتخاب شده است که نوعی ایهام در مفهوم را تداعی می‌کند. کلمه Plane به معنای «هواپیما» است، علاوه بر اینکه تلفظ این کلمه هر دو کلمه‌ی «plane» به معنای گفته شده و «plain» به معنای «ساده» را به ذهن متبادر می‌کند: «صحبت هواپیمایی» و «صحبت صاف و ساده و شفاف».



در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۵، یک بوئینگ ۷۰۷ خطوط هوایی آمریکا، از میامی به مقصد کالی در کلمبیا به پرواز درآمد. پرواز بدون حادثه بود، اما هنگامی که خدمه برای فرود آماده شدند، یکی از خلبانان اشتباه کرد. او که قصد داشت کامپیوتر مدیریت پرواز را توسط سیگنال ناوبری در فرودگاه آلفونسو بی آراگون جهت دهد، روی سیگنال دیگری که در همان نزدیکی فرکانس رادیویی ارسال می‌کرد قفل کرد و هواپیما را از مسیر خارج کرد. لحظاتی بعد به کمک خلبان گفت: «اینجا چه اتفاقی افتاده؟ به نظر درست نمی‌یاد.» «ما اینجا به گندی بالا آوردیم، مگه نه؟»

کنترلر ترافیک هوایی در فرودگاه آراگون به خلبانان دستور داد که به سمت شهر نزدیک تولوآ پرواز کنند، دور بزنند و رویکرد جدیدی را برای فرود آغاز کنند. خلبان که هنوز سرگردان بود، هواپیما را در یک سری پیچ‌ها قرار داد که آن را در مسیر برخورد با جناح کوه آند قرار داد.

هنگامی که سیستم هشدار نزدیکی به زمین هواپیما شروع به صدا زدن کرد، خدمه پرواز تنها ۱۲ ثانیه فرصت داشتند تا پاسخ دهند. «اوه لعنتی، برو بالا، برو!» یکی از آخرین کلماتی بود که در کابین خلبان قبل از برخورد هواپیما به دامنه کوه پر درخت و کشته شدن ۱۶۰ نفر از ۱۶۴ سرنشین هواپیما بود

محققان هیئت ملی ایمنی حمل و نقل (NTSB)، سقوط را به دنباله‌ای مرکب از اشتباهات خلبان نسبت دادند که با برنامه‌ریزی نادرست سیستم ناوبری هواپیما شروع شد و با شکست خدمه پرواز در غیرفعال کردن سیستم کاهش سرعت هواپیما قبل از تلاش برای صعود اضطراری پایان یافت - یک مانور، که در صورت موفقیت ممکن بود هواپیما را قادر به عبور از فراز قله کوه کند.

کنترلر ترافیک هوایی، که فردی با زبان مادری اسپانیایی بود، اتفاق افتاده است. محققان این سقوط تصدیق می‌کنند که ارتباط بین کابین خلبان

کنت جونز این حادثه را متفاوت تفسیر می‌کند. شکی در ذهن او وجود ندارد که این سقوط به دلیل سوءتفاهم و مانع زبانی بین خدمه پرواز و کنترل کننده ترافیک هوایی، که فردی با زبان مادری اسپانیایی بود، اتفاق افتاده است. محققان این سقوط تصدیق می‌کنند که ارتباط بین کابین خلبان

کنت جونز این حادثه را متفاوت تفسیر می‌کند. شکی در ذهن او وجود ندارد که این سقوط به دلیل سوءتفاهم و مانع زبانی بین خدمه پرواز و کنترل کننده ترافیک هوایی، که فردی با زبان مادری اسپانیایی بود، اتفاق افتاده است. محققان این سقوط تصدیق می‌کنند که ارتباط بین کابین خلبان

هستیم. آن وقت از خودم پرسیدم ما که می‌خواهیم محصولاتمان را به تمام دنیا بفروشیم، چند ترجمه دیگر برای این منظور لازم است؟ در کتابی در کتابخانه خواندم که حدود ۶۰۰۰ زبان در دنیا وجود دارد! ولی در زیرنویسی از همان نوشته از زبانی به نام اسپرانتو اسم برده شده بود که حکم سیستم متریک را در زبان‌ها داشت: زبانی مشترک و واحد برای همه! آنجا بود که به این زبان اعتقاد پیدا کردم: باید آن را به کار گرفت!

اما جونز تا سال ۱۹۶۸ شروع به یادگیری اسپرانتو نکرد یعنی زمانی که به شیکاگو نقل مکان کرد تا در منطقه احیای آب متروپولیتن کار کند. «من با انجمن اسپرانتو در آنجا تماس گرفتم و آنها در مورد مردی به نام پدر گیرگه وست به من گفتند که چهارشنبه‌شب‌ها در دانشگاه لویولا درس اسپرانتو می‌داد، بنابراین من شروع به رفتن به آن کلاس کردم. حدود ۹ ماه بعد، یک گروه ژاپنی بازرگانی به شیکاگو آمدند که یکی از آنها اسپرانتو صحبت می‌کرد. باشگاه اسپرانتو از من خواست که نماینده آنها باشم، بنابراین من جلسه‌ای را در کتراد هیلتون تشکیل دادم و وقتی او را با پرچم کوچک اسپرانتو که از چمدانش آویزان بود دیدم، به اسپرانتو گفتم: من کنت جونز هستم. من کل مکالمه را به خاطر ندارم، اما ما به یک کافی‌شاپ رفتیم و دو ساعت آنجا نشستیم، او حداقل ۹۶ درصد صحبت را انجام داد، اما او مرا درک کرد و من بیشتر حرف‌های او را درک کردم، بنابراین گفتم: «اوووو، این زبان واقعاً کار می‌کند!»

جونز پدر ده فرزند (به گفته‌ی خودش، به افتخار سیستم متریک)، دانش خود را در زبان اسپرانتو به دختر کوچکش، سارا سو، دانشجوی هارواردی آینده منتقل کرد. «زمانی که او حدود ۱۸ ماهه بود، در حال بازی کردن، جلوی من روی زمین افتاد، به بالا نگاه کرد و به طور جدی اعلام کرد: «می‌فایس» (به اسپرانتو یعنی «من افتادم»)، زمان گذشته کامل. در آنجا بود که دریافتم زبان اسپرانتو را مغز کوچک او چه خوب جذب کرده و تصمیم گرفتم که زبان اولش اسپرانتو باشد.»

در سال ۱۹۷۴ جونز شروع به مشکل در حرکت صحیح پاهای خود کرد و متعاقباً تشخیص داده شد که مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس یا همان ام اس است. او می‌گوید: «از سال ۱۹۷۸ از عصا استفاده می‌کردم و از سال ۱۹۸۲ روی ویلچر بودم.»

شروع پاراپلژی یا فلج کامل پاها و تنه، او را به یک فعال سیاسی تبدیل کرد. جونز که از دشواری رسیدن به محل کار با ویلچر ناامید شده بود و مشاهده کرده بود که یک گروه معترض دنور به نام ADAPT (معلولان آمریکایی برای برنامه‌های لازم برای امروز) با موفقیت از دادگاه‌ها و تکنیک‌های مقاومت منفی برای وادار کردن شهرداری به بازسازی اتوبوس‌هایی با بالابر ویلچر استفاده کرده است، یک تظاهرات ADAPT در شیکاگو را سازماندهی کرد و شروع به ایجاد مشکل برای شهر و شهرداری کرد. او می‌گوید: «در حدود سال ۱۹۸۴ حدود ۲۵ نفر ویلچری در تقاطع خیابان استیت و مدیسون ظاهر شدیم. چند نفر از حامیان ما، زنجیری را در چرخ‌های ما قرار دادند و ما را مانند یک تسبیح در وسط تقاطع به یکدیگر وصل کردند. پلیس حدود نیم ساعت طول کشید تا تقاطع را از راهبندانی که ما به وجود آورده بودیم، پاک کند. آنها مدام می‌گفتند «می‌خواهید دستگیر شوید؟» و ما می‌گفتیم: «آری». سپس همه ما را به زندانی واقع در تقاطع خیابان استیت و خیابان دوازدهم بردند تا متوجه شوند که درب‌های سلول‌های زندان‌شان هم برای ورود ویلچر طراحی نشده‌اند! بنابراین ناچار شدند که

مسئولانه‌ترین پاسخ‌هایی بود که جونز دریافت کرده بود، اگرچه اخیراً او موفق شده است یک تماس تلفنی و یک ایمیل از دفتر بروس جانسون، مدیر ترافیک هوایی FAA استخراج کند.

دیوارهای اتاق نشیمن لینکلن پارک جونز با مجموعه‌ای متنوع از سوغاتی پوشیده شده است - یک بادبزن از کره، یک کلاه از ازبکستان، یک تقویم از مغولستان. بیشتر آنها هدایایی از طرف اسپرانتیست‌های همکار او که به شهرش آمده بودند، هستند. در کنار کامپیوتر او یک پرتره قاب شده از دکتر قرار دارد. دکتر لودویگ زامنهوف، چشم پزشک لهستانی که زبان اسپرانتو را در دهه ۱۸۸۰ به عنوان وسیله‌ای برای همکاری و حسن نیت بیشتر بین ملل و گروه‌های قومی ایجاد کرد. طبق استدلال دکتر زامنهوف، زمانی که همه در جهان زبان ساده و از نظر فرهنگی بی‌طرف او را یاد بگیرند، عصر اتوپیایی از درک متقابل به وجود خواهد آمد.

تخمین‌ها از تعداد اسپرانتیست‌های مسلط در جهان امروزی از هزاران تا میلیون‌ها نفر است، اگرچه اعداد بالاتر معمولاً از منابع اسپرانتیستی می‌آیند.

جونز ۷۷ ساله می‌گوید: «بسیاری از مردم دچار اشتباه بزرگی می‌شوند و به اسپرانتو فقط به عنوان وسیله‌ای برای گرد هم آوردن مردم از سراسر جهان فکر می‌کنند، که واقعاً اینطور نیست. اسپرانتو فقط زمانی مفید خواهد بود که بتوان از آن برای حل برخی از مشکلات حیاتی جهان استفاده کرد و در حال حاضر هوانوردی یکی از آنهاست. دختر من که در هاروارد درس می‌خواند با دختری در آن پرواز کلمبیا هم‌کلاسی بود. می‌توان گفت اینگونه درگیر همه اینها شدم.»

مشارکت جونز در هوانوردی به سال ۱۹۴۴ برمی‌گردد، زمانی که او به عنوان تکنسین کنترل ترافیک هوایی در نیروی دریایی خدمت می‌کرد. «من در پایان جنگ ثبت نام کردم تا بتوانم اعتبار GI بیشتری برای رفتن به کالج بگیرم. ماموریت من در هاوایی در پایگاه هوایی باربرز پوینت بود. من وسایل الکترونیکی یک واحد راداری به نام GCA را نگهداری می‌کردم. که یک تریلر پر از ابزار الکترونیکی و رادیو و رادار بود.»

جونز پس از انجام این وظیفه، مدرک مهندسی عمران را در دانشگاه مارکیت گرفت، سپس برای کار در Convair به فورت ورث، تگزاس رفت. «یکی از کارهای من در آنجا طراحی یک محفظه بمب برای قرار دادن زیر B-۵۸ بود تا بتواند بمب‌های اتمی را حمل کند.»

«بعد از مدتی به این موضوع فکر کردم که آیا مادرم واقعاً من را برای کمک به پیدا کردن چگونگی انداختن بمب اتمی روی مردم به دنیا آورده است؟ سپس مدت زیادی از آن نگذشته بود که من کمی از آنها بیزار شدم و آنها از من بیزار شدند و راه ما از هم جدا شد.»

جونز اسپرانتو را در سال ۱۹۶۳ کشف کرد، در حالی که به عنوان مهندس محصول در شرکت ساوت وست پترولیوم در فورت ورث کار می‌کرد. یک اشتباه ترجمه در یکی از دستورالعمل‌های این شرکت اخیراً ۳۰۰۰۰ دلار جریمه برای آن در آلمان به همراه داشت و اولین وظیفه جونز این بود که تمام متون ترجمه شده شرکت را بررسی کند تا اشتباهات بعدی برطرف شود. جونز می‌گوید: «خب، این کار کنجکاوی من را برانگیخت. ما می‌خواهیم وسایل خود را در سراسر جهان بفروشیم و با این حال الان تنها در فکر مخاطرات ترجمه فقط بین دو زبان معروف، انگلیسی و آلمانی



فقط به ما بگویند که چقدر ما بد هستیم که ترافیک ایجاد کردیم و ... ما را آزاد کردند!».

جونز همچنین در سال ۱۹۸۳ یک شکایت ضد تبعیض علیه CTA تنظیم کرد. «برای شش سال آینده من زمان زیادی را صرف رفتن به دادگاه و شهادت دادن و همه این موارد کردم. همه‌ی هم-ویلچرنشینان من زودتر به جلسات هیئت مدیره می‌رفتند و دور میز را احاطه می‌کردند و می‌پرسیدند، «آیا می‌خواهید اتوبوس آسانسوردار بخرید، یا خیر؟»

CTA سرانجام در سال ۱۹۸۹، دو سال قبل از تصویب قانون آمریکایی‌های دارای معلولیت، که دسترسی ویلچر را برای تمامی امکانات عمومی در سراسر کشور اجباری می‌کرد، با نصب آسانسور در تمام اتوبوس‌های جدید خود موافقت کرد.

جونز در حال رفت و آمد با اتوبوس، برای ۱۲ سال دیگر در شرکت احیای آب به کار ادامه داد. از زمان بازنشستگی در سال ۱۹۹۶، او خود را وقف ترویج اسپراتو به عنوان زبان هوانوردی کرده است. در حال حاضر او مشغول ترجمه کتابچه راهنمای FAA حاوی ۳۳۶ عبارت استاندارد هوانوردی است

انگلیسی به عنوان زبان رسمی هوانوردی بین‌المللی در سال ۱۹۴۴ در شیکاگو در اولین کنفرانس جهانی ایکائو، نهادی که توسط سازمان ملل برای تعیین استانداردها و شیوه‌های هوانوردی ایجاد شد، گنجانده شد. اما همانطور که جونز دوست دارد به آن تأکید کند، زبان قطعنامه صراحتاً موقتی بودن این امر را اظهار می‌کند: «در انتظار توسعه و انتخاب یک زبان مناسب‌تر برای استفاده جهانی در ارتباطات رادیویی-تلفنی هوانوردی، زبان انگلیسی باید به این منظور استفاده شود و باید در صورت درخواست هر ایستگاه هواپیمائی... در تمام ایستگاه‌های روی زمین که به فرودگاه‌ها و مسیرهایی که توسط سرویس‌های هوایی بین‌المللی استفاده می‌شوند خدمات‌رسانی می‌کنند، قابل دسترسی و استفاده باشد». علاوه بر این، او می‌گوید، ایکائو صرفاً یک نهاد مشورتی است و هیچ اختیار قانونی برای اجباری کردن اجرای این تصمیم ندارد. در امریکا FAA از خلبانان و مسئولین برج کنترل می‌خواهد که بتوانند به زبان انگلیسی روان بخوانند، بنویسند و مکالمه کنند، اما در جاهای دیگر پیروی از این قانون برای استفاده از زبان انگلیسی کاملاً داوطلبانه است.

برای مشکل‌زا کردن بیشتر استفاده از زبان انگلیسی، واژه‌نامه‌ی اصطلاحات FAA در طول زمان از واژه‌نامه‌ی ICAO منحرف شده است. به عنوان مثال، ICAO اصطلاح «passing» برای آنچه FAA آنرا «leaving» می‌نامد استفاده می‌کند - هر دو به معنای «ترک باند» هستند. در جایی که FAA می‌گوید «airport»، «ramp» و «hold»، ایکائو می‌گوید: «aerodrome»، «apron» و «stop».

جونز می‌خواهد با به کار گرفتن زبان منطقی اسپرانتو، این دوگانگی‌های واژگانی را هم به حداقل برساند. اما جونز در وب‌سایت خود (<http://www.hometown.aol.com/kentjones9/myhomepage/business.html>) ۱۲ نقص ساختاری زبان انگلیسی را فهرست می‌کند که باعث سردرگمی بیشتر متکلمین غیربومی آن می‌شود، از جمله عدم قانونمندی برای تشخیص اسم جمع و مفرد آن (کلمه aircraft به معنی «هواپیما» ممکن است مفرد یا جمع باشد) و وفور هم‌آواها (برای مثال «four» و «for») و اصطلاحات ابهام‌آمیز (مانند: «Can you make the runway?»).

که هم به معنی این است که «آیا می‌توانید باند فرودگاه را بسازید؟» و هم به معنی این است که «آیا می‌توانید فرود/برخاست را در محدوده‌ی طول باند فرودگاه انجام دهید؟».

همین وب سایت ۱۵ سانحه هوایی بزرگ را از سال ۱۹۷۶ فهرست می‌کند که به نظر جونز به خاطر نقص زبان انگلیسی «زیبا و خطرناک» اتفاق افتاده‌اند. یکی از نمونه‌های بارز آن تصادف دو هواپیمای 747s در فرودگاه لوس رودئوس در جزایر قناری در سال ۱۹۷۷ است. جونز معتقد است که این سانحه دهشتناک توسط اشتباه زبانی یک خلبان هلندی رخ داده است که واژگان انگلیسی را با نحو هلندی در حالی که با یک کنترل‌کننده اسپانیایی صحبت می‌کرد مخلوط کرده است. گزارش‌های دیگر بر نقش خطای خلبان، تداخل رادیویی و تأثیر منحرف کننده پخش فوتبال در داخل برج مراقبت تأکید دارند، اما جونز نسبت به این نوع تحلیل ابراز تأسف و اعتراض می‌کند. او در وب‌سایت می‌نویسد: «از آنجایی که NTSB قطعاً از کاربرد دست و پا شکسته‌ی زبان انگلیسی را در صحنه‌ی تصادف پیدا نکرده است، نتیجه می‌گیرد که زبان عاملی برای این تصادف وحشتناک نبوده است. به راحتی می‌توان گفت که خطای خلبان باعث این فاجعه شده است. اما چرا این خطا اتفاق افتاده است؟»

در حالی که تجزیه و تحلیل جونز از تصادفات بخصوصی مورد بحث و جدل است، مشکل کلی مشکلات زبان در هوانوردی واقعاً غیرقابل انکار است. در گزارشی که در اکتبر گذشته منتشر شد، FAA تعداد ۱۸۴ «خطای زبان در هوانوردی» را از سال ۱۹۷۵ برشمرد و خواستار بررسی بیشتر این مشکل شد. حتی قبل از انتشار این گزارش، راه‌حل‌های مختلفی در محافل هوانوردی مورد بحث قرار می‌گرفت.

انجمن خلبانان خطوط هوایی، که یک اتحادیه خلبانان آمریکایی است، مدت‌هاست که به نفع پذیرش رسمی و قانونی زبان انگلیسی به عنوان زبان هوانوردی و به دنبال آن تحمیل استانداردهای سخت‌گیرانه‌تر برای تسلط خلبانان و مسئولین برج کنترل در سراسر جهان بر زبان انگلیسی صحبت کرده است. کارشناسان دیگر توسعه سیستم‌های کد رایانه‌ای را پیشنهاد کرده‌اند که ترجمه خودکار را در کابین خلبان و برج کنترل فراهم می‌کنند. جونز مفهوم دوم را جالب اما ناکامل و ناکارا می‌بیند. او می‌گوید: «چیزی مانند آن ابتدا باید در زمینه‌های روان‌شناختی و دیگر علوم شناختی آزمایش شود. این رویای خوبی است که فکر کنیم می‌توانیم با یک خودکارسازی ساده، این مشکل بزرگ را حل کنیم، اما من فکر نمی‌کنم این عملی باشد.»

علیرغم بی‌تفاوتی مقامات هواپیمایی، جونز مصمم و خوشبین است. او می‌گوید: «سگ‌های پیر باید ترفندهای جدیدی یاد بگیرند. در غیر این صورت باید سگ‌های جدیدی تهیه کنید. دو یا سه سال طول می‌کشد تا همه این کارها انجام شود و زبان اسپرانتو به طور کامل زبان هوانوردی گردد. در این مدت خلبانان و مسئولین برج کنترل می‌توانند به یادگیری خوب زبان آسان و منطقی اسپرانتو بپردازند همه خواهند دید که می‌توانند این زبان را به آسانی یاد بگیرند. در کسری از زمانی که لازم است تا فرانسوی یا چینی یا هر زبان دیگری را یاد بگیرند. ما در اینجا در مورد شایسته‌سالاری زبان صحبت می‌کنیم. رفتن به سوی اسپرانتو، رفتن به سمت زبانی است که برای هدف مورد نظر همه‌ی ما برتری خود را نشان داده است. و چه کسی می‌تواند این حقیقت و واقعیت را انکار کند؟»

# مصاحبه با خانم دکتر Gong Xiaofeng گونگ شیائوفنگ (Arko)

ترجمه: نازی صولت

منبع: مجله Esperanto نوامبر ۲۰۲۳



در طول گردهمایی جهانی اسپرانتو در تورین ایتالیا، خانم دکتر گونگ شیائوفنگ به هیئت مدیره UEA پیوست. تحریریه مجله اسپرانتو از این فرصت برای مصاحبه با او استفاده کرد که ترجمه بخش هایی از آن را در ادامه خواهید خواند.

دلیل روشنی فوری از آن خوشم آمد، شاید به دلیل ایده آل های درونی. به هیچ وجه انتظار نداشتم که در مدت کوتاهی، نوری خواهد شد که قلبم را روشن خواهد کرد و مرا از تیرگی بیرون خواهد کشید.

در سال ۱۹۷۸ بود، دانشگاه ها دو بار از پذیرش من به خاطر معلول بودنم خودداری کردند، دقیقاً تازه انقلاب فرهنگی تمام شده و در کشور من آزمون سراسری ورود به کالج ها شروع شده بود، اما فقط ۳ الی ۵ درصد از کاندیداها شانس قبولی در آزمون ورودی و ادامه تحصیل در دانشگاه ها را داشتند. خوشبختانه من اولین نامزد موفق از ۲۰۰ فارغ التحصیل دبیرستان مان بودم؛ متأسفانه، من یک فرد معلول بودم، و گفته شد افراد معلول حق تحصیل در آن دانشگاه را ندارند. من فقط ۱۶ سال داشتم و همواره در خیال و آرزوی رفتن به دانشگاه بودم. اما دانشگاهی که از آن درخواست پذیرش کردم، از پذیرش من، خودداری کرد.

**مجله اسپرانتو: اسپرانتو چه نقشی در زندگی شما ایفا کرد؟ آیا آن نقش در طول سال ها تغییر کرده است؟**

- اسپرانتو نقش بسیار مهمی در زندگی من ایفا کرده و می کند. از زمانی که اسپرانتو را شناختم، ۳۴ سال گذشته. من آن زمان یک دانش آموز معلول بودم، کم کم دکتر و استاد دانشگاه شدم که دسترسی به آن دشوار است، حتی برای همسالانم. اگر کسی مرا موفق بداند، قطعاً می گویم که اسپرانتو باعث موفقیت من شد. اسپرانتو، زندگی مرا تغییر داد. سرنوشت من بدون اسپرانتو، بدون شک، اینگونه که الان هست، نمی بود. اسپرانتو در مراحل مختلف زندگی من، نقش های متفاوتی بازی کرده است.

دانشجوی دانشگاه بودم که اتفاقی یک مقاله و یک درس پایه در مورد اسپرانتو در روزنامه ای دیدم. ابتدا به آن زبان زیبا فقط علاقه مند شدم، چون نوشته بود کلیدی برای یادگیری سایر زبان های اروپایی بوده و ساده و منطقی است. بدون هیچ

در نهایت به دلیل نمرات بالاییم و به دلیل اینکه مادرم در دفتر پذیرش آموزش عالی، التماس و درخواست داشت که چرا دخترش نمی‌تواند به آن‌جا برود، (او از همه روش‌های اجتماعی که می‌دانست، استفاده کرده بود تا با مقامات دانشگاهی تماس بگیرد)، اتفاقاً یک آگهی استخدام ۲۵ نفر دیگر برای تقویت نیروهای آزمایشگاهی دانشگاه، داده شد. برای شرکت در یک دوره دو ساله پذیرفته شدم. این دوره دو ساله بدون مدرک لیسانس بود.

ابتدا قبول نکردم چون می‌خواستم لیسانس بگیرم که به چهار سال تحصیل نیاز داشت ولی پدر و مادرم پیشنهاد کردند آن را قبول کنم، حتی اگر فقط برای ۲ سال باشد. پس از فارغ‌التحصیلی، آن دانشجویان هم تکنیسین آزمایشگاه خواهند شد. چه شغل و امکان خوبی! (در دهه ۱۹۸۰، همه فارغ‌التحصیلان، از طرف دولت، مدرک لیسانس دریافت کردند).

من با اکراه، پیشنهاد پدر و مادرم را پذیرفتم اما عمیقاً به دلیل تبعیضی که به دلیل معلول بودن نسبت به من انجام شده بود، افسرده بودم؛ لبخندم را گم کردم و تبدیل شدم به دختری ساکت. از آن‌جا که نمره‌های درس شیمی من بالا بود، به بخش تخصصی شیمی منتقل شدم. فکر کردم در دانشگاه خواهم ماند. اما انتظار نداشتم قبل از فارغ‌التحصیلی، دانشگاه انصراف خود را ابراز کند؛ چون دانشگاه قرار بود بین‌المللی شود و معلول بودنم، تصویر خوبی برای دانشگاه نمی‌داشت ناگهان حس بازماندگی به من دست داد، تمام شوق به تحصیل تخصصی خود را از دست دادم، در برابر کتاب باز شده جلویم، نمی‌توانستم حتی یک کلمه در مغزم بگنجانم. با این حال، متوجه شدم که تنها اسپرانتو می‌تواند مرا آرام کند. از آن زمان، اسپرانتو مال من شد، آرام‌بخش و ستون معنوی من شد. دانشگاه را رها کردم و به عنوان یک تحلیل‌گر شیمی در کارخانه‌ای که پدرم به‌عنوان مهندس کار می‌کرد، شروع به کار کردم. کارم سبک بود و بیشتر وقتم را برای یادگیری اسپرانتو صرف کردم. بیست و یک ساله شدم و به خود آمدم که چرا به دلیل نقص عضو ناراحت باشم. چرا به تبعیضی که دیگران نسبت به من انجام دادند، اهمیت بدم. در دفتر خاطراتم نوشتم: ”همه چیز از سن ۲۱ سالگی شروع می‌شود.“

در دوره آموزش مکاتبه‌ای اسپرانتو، ثبت‌نام کردم. اتفاقاً مدرس دوره مکاتبه‌ای از شهر محل اقامتم دیدار کرد، مرا تشویق کرده و صمیمانه دعوت کرد دو ماه بعد در گردهمایی شرکت کنم.

برای نخستین بار به تنهایی از شهرم به استان مجاور رفتم و مورد استقبال بی‌نظیری قرار گرفتم. همه احترام گذاشتند و به

زندگی و آموزش من کمک زیادی کردند. یک نفر، شماره تماس دوست مکاتبه‌ای‌اش را داد و من شروع به مکاتبه با کشورهای دیگر کردم. پس از بازگشت به خانه، گروه اسپرانتوی محلی با من تماس گرفت و خیلی زود رهبر گروه شدم و هدایت فعالیت‌های اسپرانتوی محلی را به عهده گرفتم. اسپرانتو دوباره مرا انسانی شاد ساخت.

از طریق اسپرانتو با بسیاری از اسپرانتودان‌ها در داخل و خارج، از اساتید، رهبران، مهندسان، کارگران، افسران، مزرعه‌داران، دانش‌آموزان و غیره تماس گرفتم، افق‌های من گسترش یافت.

فکر دیگری داشتم، آیا باید تا زمان بازنشستگی در کارخانه بمانم؟ آیا این پایان کار دانشگاهی من است؟ چرا نمی‌توانم برای ادامه تحصیل به دانشگاه برگردم؟

آن زمان، سیاست آزمون ورودی دانشگاه‌های چین تغییر کرد و هر معلول حق داشت به دانشگاه برود. در نهایت تقریباً پس از دو سال نبرد، توانستم در آزمون ورودی تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد شرکت کنم. کارخانه‌ای را که ده سال در آن کار کرده بودم، ترک کردم. از این فرصت جدید که به‌سختی به‌دست آورده بودم، خیلی خوشم می‌آمد و همه انرژی و وقتم را صرف تحصیلاتم کردم.

از آن زمان، اسپرانتو به سرگرمی من تبدیل شد و دیگر در دنیای اسپرانتو، درخششی نداشتم. ولی تماس و ارتباطم با اسپرانتیست‌ها را از دست ندادم و همیشه با اسپرانتودانان فعال، مکاتبه داشتم.

بعد، گویی از آسمان، کمکی به دستم رسید، حتی شغلی در دانشگاه گرفتم و پس از گرفتن فوق‌لیسانس، به آموزش پرداختم. ده سال بعد، ترفیع گرفتم و استادیار و سپس استاد دانشگاه شدم. وقتی استادیار شدم، به دنیای اسپرانتو بازگشتم ولی هم‌چنان برایم سرگرمی بود و کار تخصصی‌ام، در درجه اول اهمیت قرار داشت.

در ۲۰۰۷ وقتی به انگلستان بازگشتم و ۱۲ ماه در آن‌جا ماندم، با اسپرانتودانان آن‌جا خیلی تماس گرفتم و زبان را تمرین کردم، دوره‌های تدریس اسپرانتو و سمینار در چین را برنامه‌ریزی و اجرا کردم، حتی در سطح جهانی، ۴۵مین کنفرانس ILEI (انجمن بین‌المللی آموزگاران اسپرانتیست) و سمینارهای این انجمن در شرق آسیا را برنامه‌ریزی کردم. خودم چندین بار در گردهمایی‌های جهانی اسپرانتو و گردهمایی ILEI شرکت کردم. در دانشگاه خودم هم اسپرانتو تدریس می‌کردم و انجمنی برای دانشجویان تاسیس کردم. در این زمان، به‌ویژه در چهارمین

اسپرانتوی انجمن زنان در آفریقا. من زیاد رویا نمی‌بینم، اما خیلی دوست دارم افراد بیش‌تری وارد شوند، خوب یاد بگیرند و از اسپرانتو به‌عنوان زبان دوم استفاده کنند.

**مجله اسپرانتو: شما از سفر خوش‌تان می‌آید؟  
جالب‌ترین سفری که به‌دلیل  
اسپرانتو داشتید، کجا بوده؟**

- بله حتما. من در واقع فردی هستم که علاقه زیادی به کارهای جدید فرهنگی دارم و دوست دارم تجربه‌های فرهنگی متفاوت را تجربه کنم. اگرچه اولین سفر خارج از کشورم به دلیل اسپرانتو نبود، در سال ۲۰۰۶ از شورای بورس چین، برای انجام یک سال تحقیقات در بریتانیا، بورس دریافت کردم اما اقامتم در آن‌جا به‌واسطه اسپرانتو، به تجربه‌ای فراموش‌نشده تبدیل شد. از آن به بعد، تمام سفرهای خارج از کشور من به اسپرانتو مربوط بوده است. برای همین با خیلی‌ها آشنا شدم، مخصوصا با اسپرانتودان‌ها، فرهنگ‌های مختلفی

را تجربه کردم. از بسیاری مناظر، لذت زیادی بردم؛ مکانی که مرا بیش‌تر جذب کرد، بخش شمالی اسکاتلند بود. دیدار دوباره اسپرانتویست‌های محلی در ژنو و ... همگی برایم لذت‌بخش بودند، اما وقتی نوبت به مسائل شایان توجه می‌رسد، می‌توانم بدون وقفه در مورد دیدارم در سال ۲۰۱۵ بگویم؛ هنگام عبور از خیابان درلیر فرانسه، اتفاقی با نوه دکتر زامنهوف، دکتر لو - کریستف - زالسکی زامنهوف، مواجه شدم. ابتدا برای یک ثانیه تردید کردم و بعد بلافاصله به سمت او برگشتم و سلام کردم. ایستاد و خندان با هم صحبت کرده و حتی با هم عکس گرفتیم

**مجله اسپرانتو: شما اسپرانتو تدریس می‌کنید. می‌توانید  
در مورد باهوش‌ترین شاگردان خود یا یکی از جالب‌ترین  
تجربیات خود در این رابطه بگویید؟**

- من به‌طور رسمی هم‌زمان، هشت دوره داوطلبانه را در دانشگاه هدایت می‌کردم. در مجموع ۶۳۱ نفر در این کلاس‌ها شرکت کردند. علاوه بر این‌ها هدایت دوره‌های تکمیلی را هم بر عهده داشتیم. در میان همه این‌ها، شاگردانی که در دوره‌های تکمیلی شرکت کرده بودند نسبت به شاگردانی که در دوره‌های

دهه زندگی، اسپرانتو جایگاه و نقش مهمی در زندگی‌ام پیدا کرد

**مجله اسپرانتو: به نظر شما دنیای اسپرانتو در طی این  
زمان، تغییر کرده است؟**

- به نظر من نه فقط دنیای اسپرانتو، بلکه اسپرانتودانان و تکنیک‌های جدید هم تغییر کرده‌اند؛ اینترنت کمی دنیای اسپرانتو را تغییر داد. دنیا کوچک‌تر شده، اینترنت با خود امکاناتی آورد که روابط بین انسان‌ها را تغییر داد. دیگر مجبور نیستیم یک ماه صبر کنیم تا پاسخ نامه‌های اسپرانتودانان از کشورهای دیگر، به دستمان برسد. ما جامعه اسپرانتودان داریم. اگر تعداد اسپرانتودانان اضافه شود، جامعه اسپرانتو بزرگ‌تر خواهد شد. در اصل، اسپرانتودانان، انسان‌های مهربان، با رفتار برادرانه، خونگرم و صلح‌دوست هستند.

**مجله اسپرانتو: برنامه‌ها و  
روایه‌های شما پس از عضویت در  
هیات مدیره UEA چیست؟**

- اصلا انتظار نداشتم عضو هیات مدیره شوم. ولی سعی خواهیم کرد با تمام قوا با بقیه اعضای هیات مدیره، همکاری کنیم. برای خودم هنوز برنامه پخته و بررسی شده کاملی ندارم، تنها چند ایده و فکر ابتدایی دارم. در این مرحله درخواست همکاری و حمایت همگی را دارم و سعی می‌کنم بهترین و بیش‌ترین تلاشم را در انجام کارهایم داشته باشم. در مورد کارهای دانشگاهی (خارج از اروپا) و آموزش، فکر می‌کنم دانشگاه و ترویج آموزش اسپرانتو در مدارس در تمام سطوح، مهم است. کار گروه ESF/TEJO/ILEI/UEA اسپرانتو در دانشگاه با IREa به ریاست رناتو کورستی، به‌طور درخشانی فعالیت می‌کند. تاکنون ۴۳ جلسه هم‌اندیشی در مورد اسپرانتو در دانشگاه برگزار شده است. عملکرد زنان یکی دیگر از وظایف مهم من است. در واقع عملکرد آن کمی دشوار است، زیرا اسپرانتودانان در شرایط مختلف و سطوح مختلف اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی، زندگی می‌کنند. خوشبختانه، چنین عملکردی به‌عنوان مثال، حتی در آفریقا هم اکنون ادامه دارد، یا نشست زنان آفریقایی به‌عنوان بخشی از هشتمین کنگره آفریقایی اسپرانتو در سنگال، فعالیت





رشته تخصصی خود برجسته است و به همین دلیل مستقیماً و بدون آزمون ورودی، برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه، قبول شد. بنابراین با من مدت ۶ سال در دانشگاه ماند. قبل از آن، او غیر از زادگاه و شهر نانچانگ که در آن درس خوانده بود، به شهر دیگری نرفته بود، ولی به خاطر اسپرانتو همراه با من به دیگر شهرها و استان ها سفر کرد حتی به کره. او در برگزاری یک دوره BEK به ریاست دنیس کیف در شهر گوانگژو، کمک کرد و به مدت یک ماه، پروفیسور glossop Ronald و آقای Laulum از آمریکا را همراهی نمود. به همین دلیل سطح زبان شفاهی او بسیار پیشرفت کرد. چندی پیش برایم پیام فوری فرستاد مبنی بر اینکه بسیار سپاسگزار است که به او اسپرانتو آموختم.

در زمان آموزش اینترنتی تقریباً متوجه شدم همه دانش آموزان از نظر فیزیکی با خارجی ها مکالمه ندارند، حتی موقع یادگیری زبان انگلیسی. زمانی که فرانسوی ها را دعوت کردم خانم Oasis Francoise ابتدا خانواده خود را معرفی کرد، سپس چهار قطعه موزیک با ویولون برایمان نواخت. بسیاری از دانش آموزان بسیار هیجان زده شدند و بعد از آن پیام گذاشتند: «پروفیسور کونگ، من واقعا می خواهم با ایشان صحبت کنم، اما جرأت ندارم.» دانشجویان چینی، به ویژه آنهایی که سال اول یا دوم تحصیل می کنند، بیش تر خجالتی هستند. در سال ۲۰۱۲ روز زامنهوف پیشنهاد کردم در کلاس شعری را با صدای بلند بخوانند. در ابتدا همه کمبود اعتماد به نفس داشتند که نشان داد هرگز در یک برنامه هنری روی صحنه حاضر نشده اند. اما تشویق های من در نهایت باعث علاقه مندی آنها شد؛ نخست چهار شعر از زامنهوف به آنها دادم، خودشان وظایف را تقسیم کردند، حتی یک برنامه دقیق تهیه کردند که کدام جمله به تنهایی باید با صدای بلند به صورت سرود یا مکرر خوانده شود و غیره. واقعا جالب بود. شاگردانم گفتند به نظرشان، اسپرانتو واقعا افق زبان آنها را گسترش می دهد.

اختیاری شرکت کردند، با هوش تر و فعال تر بودند و حتی کمک کردند تا فعالیت های اسپرانتویی در دانشگاه، ترتیب دهم. بسیاری از گروه های اسپرانتویی خارج از کشور، به عنوان مثال کاروان هایی از کره و نپال را پذیرفتند و چندین بار از سوی دانشگاه، مورد تشویق قرار گرفتند. کمک کردند تا انجمن های مختلف دانشجویی اسپرانتو تشکیل شود، حتی ۲۴ نفر از آنها در طول تعطیلات زمستانی در ۲۰۱۱ به دنبال من به شهر گوانگژو برای شرکت در گردهمایی ماهانه زمستانی که به وسیله ILEI بخش چین، سازماندهی شده بود، شرکت کردند.

دنیس کیف در زمستان ۲۰۱۲ این گردهمایی را هدایت می کرد، ۱۰ دانشجو هم به دوره اینترنتی پیوستند و دو نفر از آنها آزمون های KER در سطح B1 را با موفقیت گذراندند.

رئیس انجمن اسپرانتو دانش آموزان Xiong-Lui نام دارد. تخصص او مهندسی مکانیک و برق بود. در حال حاضر در شهر Gnezhgneh کار می کند، زمانی که برای کاری سفر می کند، با فعالین محلی اسپرانتو از طریق سایت آمیکومو، تماس می گیرد. در دومین سال تحصیلی، دوره اینترنتی مرا انتخاب کرد، بعداً متوجه شدم که دوباره در واحد درسی من حاضر می شود. به دفترم دعوتش کردم، کتاب های الکترونیکی و روزنامه قرض گرفت و به زودی دستیار من شد. او همچنین در



# Misofonio rezultas pli ofta ol ni pensis



Plej multaj el ni povas rilati al tiu intensa, spin-trema, sento de repuŝo aŭdante iun skrapi siajn ungojn sur skribtabulo. Sed por iuj homoj tiaj intensaj reagoj al bruo ankaŭ povas esti ekigitaj de multe pli oftaj, ordinaraj sonoj.

Ĉi tiu sentemo nomiĝas misofonio, kaj nova esploro de Britio sugestas ke pli da homoj suferas de ĝi ol kion oni antaŭe pensis.

Ekkaŭzaj sonoj inkluzivas aferojn kiel maĉadon, ŝmacadon, ronkadon kaj spiradon kaj respondoj povas varii de milda kolero kaj kolero ĝis aflikto, kiu malhelpas la ĉiutagan vivon.

"Nia enketo kaptis la kompleksecon de la kondiĉo," klarigis la klinika

psikologo de la Universitato de Oxford Jane Gregory, kiu kunaŭtoris la novan studon.

"Misofonio estas pli ol nur esti ĝenita de certaj sonoj, ĝi temas pri senti sin kaptita aŭ malhelpa kiam oni ne povas foriri de ĉi tiuj sonoj kaj maltrafi aferojn pro ĉi tio."

Silia Vitoratou, psikometriisto el Kolegio de Reĝo de Londono, kune kun Gregorio kaj kolegoj, uzis algoritmon por distribui volontulojn laŭ sekso (inkluzive ne-binaraj), aĝo kaj etneco en maniero kiel kiu reflektis UK-censdatenojn por ricevi reprezentan provaĵon de homoj pli ol 18 jarojn.

La 772 volontuloj plenumis

demandaron rilate al eblaj ellas-sonoj kaj iliaj emociaj respondoj, kiu esploris 5 aspektojn de misofonio: sento de emocia minaco, internaj kaj eksteraj taksoj, eksplodoj kaj efikoj. La esploristoj ankaŭ intervjuis 26 homojn kiuj mem-identigis kiel havantaj misofonion kaj 29 homojn kiuj ne havis ĝin.

"La supereco de misofonio en la UK estas 18.4 procentoj," la teamo malkovris, klarigante, ke tiuj rezultoj reprezentas nur la UK-on, kaj povas diferencigi en aliaj partoj de la mondo.

Multaj el la sonoj, kiuj povas elvoki misofonion, ne estas precize amataj de la pli vasta populacio. La plej grandan abomenon inter la respondantoj de la enketo kaŭzis la laŭtan maĉadon, dum multaj el la aliaj sonoj kaŭzis ĝeneralan ĝenon.

Sed estis du ĉefaj diferencoj inter tiuj kun misofonio kaj la ĝenerala populacio.

Unue, la negativaj sentoj rilate al la sonoj universale malamataj pli ofte estis akompanataj de kolero kaj paniko en la pli sentema subgrupo de la populacio. Ili raportis sentiĝi kaptita aŭ senhelpa kaj nekapabla eskapi la bruon.

"Temas pri la sento, ke estas io malĝusta pri vi pro la maniero, kiel vi reagis al sonoj, sed ankaŭ la nekapablo fari ion pri tio," diras Gregory. Tio povas poste konduki al kulpo, honto, angoro kaj foriĝo.

Fine, homoj kun misofonio pli ofte estis ĝenataj de sonoj kiel normala

spirado kaj glutado, dum ĉi tiuj ne kaŭzis ian reagon en la ĝenerala populacio.

"Estas grava, ke nia studo montris, ke 1 el 5 homoj en la UK spertas signifajn misofoniajn reagojn, sed nur malgranda frakcio sciis pri la termino," klarigas Vitoratou.

"Tio signifas, ke la plej multo de homoj kun misofonio ne havas vorton por priskribi tion, kion ili spertas."

Malpli ol 14 procentoj de la selektita populacio sciis pri misofonio antaŭ la enketo.

"Estas tiel liberiga malkovri, ke vi ne estas sola, ke aliaj homoj reagis tiel ĉi al sonoj," notis Gregory. "Malkovrante ke estas vorto por tion, kion vi spertas."

La nova enketstudo de la esploristoj povas esti utila ilo por helpi aliajn kuracistojn identigi tiujn, kiuj suferas pro la kondiĉo.

"Niaj rezultoj montras, ke misofonio estas relative komuna kondiĉo, kaj necesas pluaj esploroj por determini, ĝis kiu punkto tiu kondiĉo fariĝas 'malorda' rilate al angoro, efiko kaj la bezono pri traktado," konkludas la esploristoj.

Ĉi tiu esploro estis publikigita en PLOS ONE.

Tradukita de: Ali Moradi

Reviziita de: Ronaldo Negromonte

Fonto(Angla):

<https://www.sciencealert.com/misophonia-turns-out-to-be-way-more-common-than-we-thought>



# بهشت اسپرانتیست‌ها

به‌طور حرفه‌ای توسط آشپزهای قلعه تهیه می‌شد، بسیار محبوب بود. اعتراف می‌کنم که ما چیزهای زیادی یاد گرفتیم و حالا آن غذاها را در خانه خودمان در ایران می‌پزیم. ما پیشخدمت خودمان بودیم، درست مثل خانه‌مان.

سیستم زباله هم عالی بود. تقسیم زباله‌ها انجام می‌شد. از ضایعات آلی به عنوان کود استفاده می‌شد. پلاستیک و برق کمتر مصرف می‌شد. همه چیز سبز است: نه تنها بیرون قلعه، بلکه فعالیت‌های ساکنین آن و حتی خود ساکنین سبزی‌های بیش‌تری را به برنامه اضافه کردیم. مسیر را چهار بار بین قلعه و شهر کوچک Bauge پیاده‌روی کردیم. ما حتی یک بار زیر یک نم نم باران دل‌انگیز به سنت مارتین - دارسه، روستایی نزدیک پیاده رفتیم.

من در دو دوره پیشرفته زیر نظر اسپرانتیست معروف فرانسوی رنه تریوله شرکت کردم. در مورد مسائل زیست محیطی، سیاسی و فرهنگی صحبت کردیم. من سعی کردم تا حد امکان به بحث‌ها کمک کنم زیرا از فرهنگ کمتر شناخته‌شده‌ای آمده بودم. مشارکت دیگر من دو سخنرانی کلاسیک بود: یکی در مورد جنبش اسپرانتوی ایران و دیگری در مورد زبان و فرهنگ فارسی. موضوعات نیز برای بسیاری از شرکت‌کنندگان ناآشنا بود و احتمالاً آن‌ها لذت بردند ما تجربیات خود را در قلعه فراموش نخواهیم کرد: برت عزیز که خستگی‌ناپذیر سعی کرد همه چیز را هماهنگ کند و جا دارد از او بسیار تشکر کنم، اسپرانتودانان دوست‌داشتنی که امید را در قلب ما کاشتند و بچه‌های بازیگوش که با بازی‌ها و کارهای جالب خود (به‌صدا درآوردن زنگ غذا یک ساعت قبل از ساعت برنامه‌ریزی شده به دلیل گرسنگی، استفاده بیش از حد از اینترنت برای تماشای فیلم، و بازی قایم باشک در طبقه دوم با سر و صدای زیاد) ما را سرگرم کردند.

دکتر کیهان صیادپور

پس از ۳۸ سال اسپرانتودان بودن و ۴ سفر به فرانسه، هنوز قلعه گریزون را ندیده بودم. بنابراین برای اولین سفر به اروپا پس از همه‌گیری کرونا، این قلعه را به عنوان مقصد اصلی انتخاب کردم.

## ویزا

پس از همه‌گیری، در دو سال گذشته به عنوان سخنران کنگره بزرگ پزشکی در آلمان موفق به دریافت ویزا نشدم. بنابراین سعی کردم نقشم را تغییر دهم و به عنوان یک اسپرانتیست از سفارت فرانسه درخواست ویزا دادم. نمی‌توانید تصور کنید که وقتی همکاران پزشک من از موفقیت من در گرفتن ویزا مطلع شدند، اسپرانتو چقدر اعتبار کسب کرد.

## در مورد قلعه

Gresillon به معنای جیرجیرک یا مکانی است که جیرجیرک‌ها در آن آواز می‌خوانند. یک عمارت سه طبقه وسط جنگل با حوض آب، نزدیک به Bauge، که شهری کوچک در شمال غربی فرانسه است. این خانه در سال ۱۵۸۵ ساخته شده است. مالکان در طول سال‌ها و قرن‌ها تغییر کرده‌اند. آن‌ها عمدتاً ثروتمند بودند، اما نجیب زاده نبودند.

هانری میکار یک اسپرانتودان نامی فرانسوی بود. قبل از جنگ جهانی دوم، دوره‌های آموزش اسپرانتو را در فرانسه برگزار کرد. بعد از جنگ شروع به ادامه درس کرد اما پیدا کردن مکان بسیار سخت بود. بنابراین، او پیشنهاد جمع‌آوری پول و خرید مکانی برای چنین فعالیت‌های اسپرانتیست‌های فرانسوی را داد. پس از یک پروسه طولانی، آن‌ها قلعه را خریدند و آن را به خانه فرهنگ اسپرانتو تبدیل کردند. موضوع هم‌چنان ادامه دارد.

## Aŭtunas پائیز است

من و همسر من در دو روز از ۱۰ روز کارآموزی جالب پاییزی، "اوتوناس" شرکت کردیم. جو بسیار خوب بود: اسپرانتیست‌های دوست‌داشتنی با هم مثل یک خانواده در قلعه زندگی می‌کردند. همه غذا را با هم می‌خوردیم. غذاهای سالم، عمدتاً سبزیجات، که



# Paradizo por esperantistoj



Post 38 jaroj da esperantisteco kaj 4 vojaĝoj al Francio, mi ankoraŭ ne vizitis la kastelon Grésillon. Do por la unua vojaĝo al Eŭropo post la pandemio, mi elektis la kastelon kiel la ĉefan celon.

## Vizo

Post la pandemio, mi ne sukcesis ricevi vizon kiel preleganto por grava medicina kongreso en Germanio dum la pasintaj du jaroj. Do mi klopodis ŝanĝi mian rolon kaj petis vizon de la franca ambasadejo kiel esperantisto. Vi ne povas imagi kiom da kredito gajnis Esperanto kiam miaj kuracistaj kolegoj eksciis pri mia sukceso ricevi vizon.

## Pri la kastelo

Grésillon signifas kriketo aŭ la loko kie kriketoj kantas. Tri-etaĝan domegon estas meze de la arbaro kun akvo-baseno, proksime al Bauge, malgranda urbo nord-okcidente de Francio. La domo estas unue konstruita en 1585. La posedintoj ŝanĝiĝis dum la jaroj kaj jarcentoj. Ili ĉefe estis riĉuloj, sed ne nobluloj.

Henri Micard estis fama franca esperantisto. Antaŭ la dua mondmilito, li organizis E-kursojn en Francio. Post la milito, li komencis daŭrigi la kursojn sed estis tre malfacile trovi lokon. Do, li proponis kolekti monon kaj aĉeti lokon por tiaj agadoj de francaj esperantistoj. Post longa proceduro, oni aĉetis la kastelon kaj ŝanĝis ĝin al Esperanto-kulturdomo. La afero ankoraŭ daŭras.

## Aŭtunas

Mi kaj mia edzino partoprenis en du tagoj el la 10 de tiu interesa aŭtuna staĝo, Aŭtunas. La etoso estis tre bona: ĉarmaj esperantistoj kunvivis en la kastelo kiel unu familio. Ni kune manĝis la saman



manĝaĵon. Furoris sanaj manĝaĵoj, ĉefe legomoj, kiujn profesie preparis kuiristinoj de la kastelo. Mi konfesas ke ni lernis multe kaj nun ni kuiras tiujn manĝaĵojn en nia hejmo en Irano. Ni mem estis niaj kelneroj, kiel en nia domo.

La sistemo por rubaĵoj estis ankaŭ perfekta. Oni dividis ilin. Organikaj rubaĵoj estas uzataj kiel fertiligantojn. Oni malpli uzis plastaĵojn kaj elektron. Ĉio estas verda: ne nur la ekstero de la kastelo, sed ankaŭ la agadoj de la kastelanoj kaj eĉ ili mem.

Ni aldonis pliajn verdaĵojn al la programo. Ni marŝis la vojon inter la kastelo kaj la urbeto Bauge kvar fojojn. Ni eĉ unu fojon marŝis sub ĉarma pluveto ĝis Saint-Martin-D'Arce, proksima vialĝeto.

Mi partoprenis en du progresaj kurseroj sub la gvido de fama franca esperantistino Renee Triolle. Ni diskutis pri ekologiaj, politikaj kaj kulturaj aferoj. Mi klopodis kontribui maksimume al la diskutoj ĉar mi venis de malpli konata kulturo.

Mia alia kontribuo estis du klasikaj prelegoj: unu pri la irana e-movado kaj la alia pri la persaj lingvo kaj kulturo. La temoj estis ankaŭ ne konataj al la multaj partoprenintoj kaj verŝajne plaĉis al ili.

Ni ne forgesos niajn travivaĵojn en la kastelo: kara Bert kiu senlace klopodis kunordigi ĉion kaj mi devas danki lin multe, ĉarmaj partoprenintoj kiuj semis esperon en niaj koroj, geknaboj kun siaj interesaj ludoj kaj maltrankviloj (sonori la manĝ-sonorilon unu horon antaŭ la planita horo pro malsato, tro uzi interretaliron por spekti filmojn, kaj ludi peek-a-buon sur la dua etaĝo kun granda bruo!).

D-ro Keyhan Sayadpour

# اسپرانتو

## آن چیزی نیست که فکر می کردید؟

رناتو کورستی، استاد بازنشسته روانشناسی در دانشگاه لا ساینزا رم، دبیر کل آکادمی اسپرانتو / آنا لوونشتاین، نویسنده و روزنامه‌نگار اسپرانتو

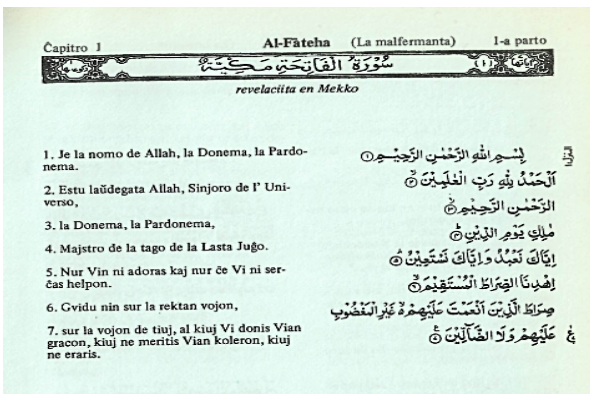
را داشتند. اما در اولین کنگره جهانی در Boulogne-sur-Mer در فرانسه در سال ۱۹۰۵، گروهی عملی‌تر به میدان آمدند و ادعا کردند که اسپرانتو فقط یک زبان است، وسیله‌ای برای تسهیل ارتباطات بین‌المللی، و هیچ ربطی به رویاپردازی‌ها برای دنیای بهتر ندارد.

اینها تنها تقسیمات بین اسپرانتوزبانان نیستند. کسانی هستند که برای تبدیل شدن آن به زبان دوم جهانی تلاش می‌کنند، و کسانی هستند که ترجیح می‌دهند این زبان به عنوان یک علاقه خاص باقی بماند و ترجیح می‌دهند بر توسعه پتانسیل فرهنگی آن تمرکز کنند. این رویکرد دوم یک نام دارد: Raŭmismo، جنبش Rauma، برگرفته از نام شهری در فنلاند که در آن «کنگره جهانی جوانان اسپرانتودان» در سال ۱۹۸۰ برگزار شد.

به عنوان یک پدیده جهانی، جامعه اسپرانتو در معرض تأثیرات بسیاری قرار دارد. در طول قرن گذشته، گروه‌های متعددی با علاقه‌مندی ویژه تأسیس شدند که به ایجاد یک چشم‌انداز واقعاً رنگارنگ کمک کردند. یکی از اولین‌ها اتحادیه بین‌المللی اسپرانتیست‌های کاتولیک بود. اما جای تعجب نیست که پروتستان‌ها و سپس مسیحیان ارتدوکس از کاتولیک‌ها پیروی کردند و به دنبال آن بودایی‌ها، اوموتو (یک دین ژاپنی)، مسلمانان، بهائیان و مورمون‌ها و بسیاری دیگر از گروه‌ها و جوامع انجمن‌های اسپرانتوی خودشان را تشکیل دادند.

اسپرانتوزبانان؟ احتمالاً فکر می‌کنید که تعداد آنها نمی‌تواند زیاد باشد - و علاوه بر این، تعداد کمی هم که وجود دارند احتمالاً دیوانه نیز هستند. بله، شما درست می‌گویید که تعداد آن‌ها بسیار کمتر از افرادی است که انگلیسی (یا این روزها چینی) یاد می‌گیرند. اما چند نفر هستند؟ حقیقت این است که هیچ کس نمی‌داند. اگر رقم «بیش از ۱۰۰۰۰۰» برای دایره‌المعارف بریتانیکا به اندازه کافی خوب است، من نمی‌توانم با ارائه تخمین خود با آن مخالفت کنم.

در هر صورت، می‌توان با اطمینان گفت که چند میلیون اسپرانتوزبان پراکنده در سراسر جهان وجود دارد. اگر نبود، ویکی‌پدیای اسپرانتو اکنون سی و دومین ویکی‌پدیای بزرگ از نظر تعداد مقاله‌ها نبود (همانطور که در ژوئن ۲۰۱۶ ثبت شد). ناگفته نماند که ۱,۶ میلیون زبان‌آموز برای دوره‌های اسپرانتو با سایت آموزش زبان Duolingo ثبت نام کرده‌اند اسپرانتودانان همه جا هستند. انجمن جهانی اسپرانتو در بیش از ۱۲۰ کشور عضو دارد. سخن‌گویان به اسپرانتو را می‌توان در مکان‌هایی یافت که هرگز فکرش را نمی‌کنید، مانند تیمور شرقی و کالدونیای جدید، و داستان‌های جذابی درباره توسعه اسپرانتو در کشورهای مختلف، از چین تا جمهوری چک وجود دارد. مجموعه‌های اسپرانتو در کتابخانه بریتانیا تاریخ و تنوع جنبش اسپرانتو و نشریات آن را منعکس می‌کند.



ترجمه قرآن به زبان اسپرانتو، مترجم: ایتالو چیوسی، ۱۹۷۰

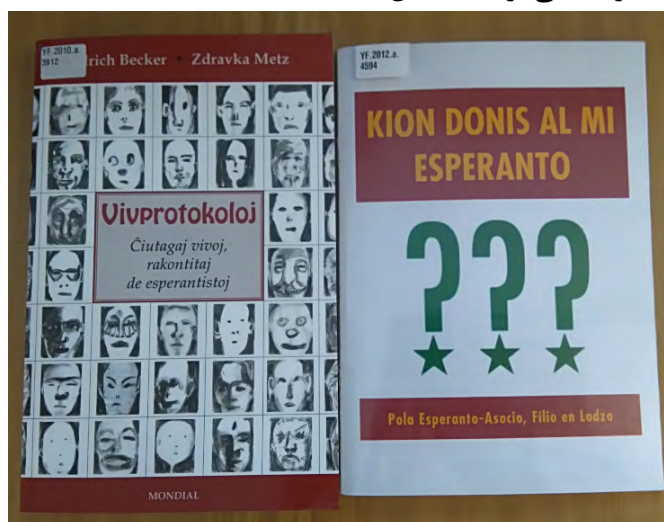


کتاب‌هایی از مجموعه اسپرانتوی کتابخانه بریتانیا در مورد جنبش اسپرانتو در

کشورها و مناطق مختلف

زمانه‌هوف، خالق اسپرانتو، متعلق به آن دسته از بصیرت‌اندیشان قرن نوزدهمی بود که آرزوی برادری، صلح و تفاهم جهانی

می‌کنند متولد شد، بنابراین کنجکاوی در مورد فرهنگ‌های دیگر بخشی از DNA آن است.



کتاب‌های مصاحبه با اسپرانتیست‌ها در سراسر جهان درباره دلایل آنها برای یادگیری اسپرانتو

ویژگی دوم، بردباری است. دنیای اسپرانتو به روی همه گروه‌هایی باز است که ممکن است در بقیه افراد جامعه در معرض نگاه‌های نسبتاً عجیب و غریب باشند. به این مفهوم که همه افراد با عقاید و تفکرات متنوع یکدیگر را پذیرفته و سطح بالایی از رواداری و مدارا در بین اسپرانتودانان وجود دارد.

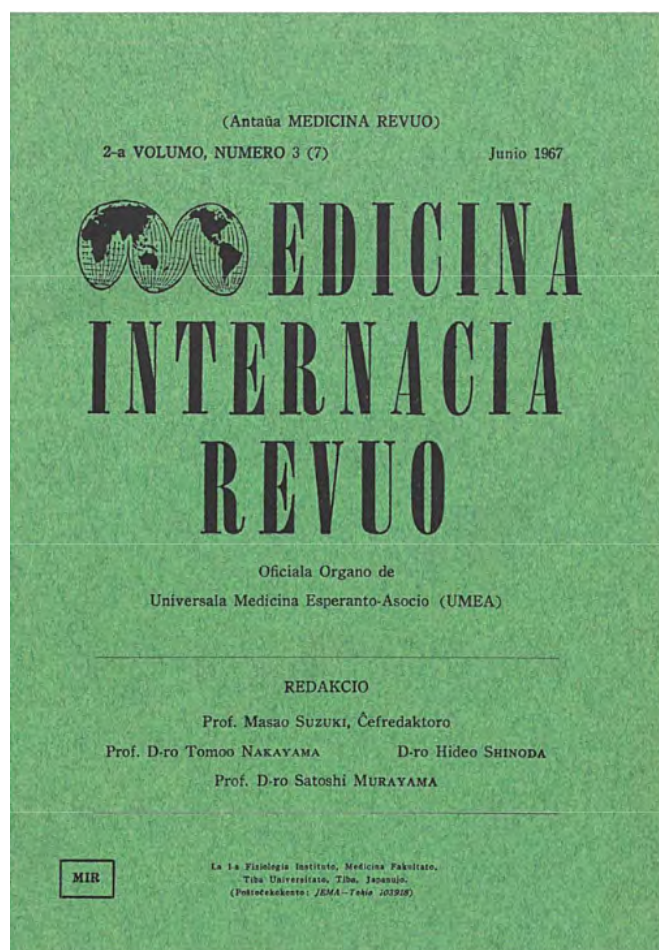
در ۱۳۰ سالگی که از انتشار اولین کتاب به زبان اسپرانتو می‌گذرد، اسپرانتو زبانان فرهنگ خود را از رمان، شعر، آهنگ و لطیفه خلق کرده‌اند. صدها هزار کتاب اعم از ترجمه شده و اصلی منتشر شده است. بسیاری از نویسندگان اسپرانتو به دلیل نوشتن به زبان‌های خود و همچنین اسپرانتو شناخته شده‌اند، به عنوان مثال نویسنده بریتانیایی Marjorie Boulton.



نشریه ادبی Beletra almanako (نیویورک، ۲۰۰۶-)

نوازندگانی که به اسپرانتو می‌خوانند را می‌توان به صورت آنلاین شنید (به عنوان مثال <https://www.youtube.com/watch?v=27BP5sXwuTs>) و بسیاری از

طبیعتاً، همه این گروه‌های گوناگون وجوه مشترکی بین جنبش اسپرانتو و آرمان‌های خود یافته‌اند. اکنون همه آنها درباره اسپرانتو - زبان صلح و دوستی - سخن می‌گویند. در همان زمان انجمن‌های حرفه‌ای به وجود آمدند که از اسپرانتو به عنوان زبان کاری خود استفاده می‌کردند و نشریات تخصصی منتشر می‌کردند. شاید تعجب کنید که بدانید پزشکانی وجود دارند که با زبان اسپرانتو در مورد جراحی هم صحبت می‌کنند.



جلد مجله پزشکی اسپرانتوزبان Medicina Internacia Revuo. (ژوئیه

۱۹۷۴)

برای کارگران راه‌آهن، روزنامه‌نگاران، بوم‌شناسان، فمینیست‌ها و تقریباً در هر زمینه‌ای انجمن‌های اسپرانتوی مربوطه وجود دارند. معلمان در جنبشی که هدف آن آموزش زبان است اهمیت ویژه‌ای دارند، انجمن آنها «اتحادیه بین‌المللی معلمان اسپرانتیست» است.

ممکن است از خود بپرسید که آیا همه این گروه‌های مختلف چه وجه اشتراکی دارند. در واقع، وجوه اشتراک زیادی وجود دارد.

اولین ویژگی کلی علاقه به «دیگری» است. اسپرانتو با هدف تسهیل ارتباط بین افرادی که به زبان‌های مختلف صحبت

## INTERNACIA LITERATURA ESPERANTA KONKURSO

“HRISTO GOROV-HRIMA” – 2024



Hristo Gorov – Hrima estis unu el la plej elstaraj bulgaraj esperantistoj, talenta Esperanta verkisto, poeto, tradukisto kaj publicisto. Bulgara Esperanto-Asocio anoncas Internacian Esperantan Literaturan Konkurson. En la konkurso povos partopreni geesperantistoj el ĉiuj landoj.

La konkurso estos por rakonto kaj eseo.

Ĉiu aŭtoro rajtas partopreni per unu rakonto aŭ per unu eseo, originale verkita en Esperanto. La konkurso ne havas konkretan temon. La verkoj estu tajpitaj komputile kaj ĉiu aŭtoro nepre uzu Esperantan alfabeton per supersignoj. La aŭtoroj indiku sian sekson (inan aŭ viran). La verkoj estu subskribitaj per la vera nomo de la aŭtoro, estu plena poŝtadreso, telefono kaj interretadreso. La rakontoj kaj eseoj estu maksimume 3-paĝaj, formato A4, la literoj estu Times New Roman - 12 punktaj

La gajnintoj ricevos valorajn premiojn. Bonvolu sendi viajn kontribuojn ĝis la 30-a de septembro 2024 al Georgi Mihalkov, prezidanto de la ĵurio, retadreso: [modest.mihalkov@gmail.com](mailto:modest.mihalkov@gmail.com)

hزاران نفری که شروع به یادگیری با Duolingo کرده‌اند، ویدیوهایی برای YouTube ایجاد می‌کنند. همچنین بسیاری از اسپرانتیست‌ها را در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی خواهید یافت.



گروه موسیقی اسپرانتو کایتو روی صحنه: کایتو (آنکی ون در میر و نان کالما از هلند) در حال آواز خواندن در باشگاه اسپرانتو لندن (عکس از اولگا کرزیوک).

و سرانجام، آخرین ویژگی مشترک همه اسپرانتو زبانان، صرف نظر از پیشینه یا اعتقاداتشان، عشق آنها به خود زبان و جامعه اسپرانتو زبان است. برای بسیاری از زوجها اسپرانتو حتی به زبان خانواده‌شان تبدیل شده است، به ویژه زمانی که آن‌ها به ملیت‌های مختلف تعلق دارند. آنها روی میز شام به اسپرانتو چت می‌کنند و از آن برای صحبت با فرزندان‌شان استفاده می‌کنند.

در این باره بیشتر بخوانید:

اسپرانتو در نیویورک تایمز: ۱۸۸۷-۱۹۲۲، ویرایش شده توسط اولریش بکر. (نیویورک، ۲۰۱۰).

روبرتو گارویا سوتو. اسپرانتو و رقبای آن: مبارزه برای زبان بین المللی (فیلاڈلفیا، ۲۰۱۵)

استر اچ. شور، پل کلمات: اسپرانتو و روای یک زبان جهانی (نیویورک، ۲۰۱۵).

جفری ساتون، دایره المعارف مختصر ادبیات اصلی اسپرانتو، ۱۸۸۷-۲۰۰۷ (نیویورک، ۲۰۰۸).

منبع:

<https://blogs.bl.uk/european/2018/04/esperanto-not-what-you-thought.html>

# چهارمین دوره مسابقه‌ی داستان کوتاه بین‌فرهنگی

موضوع: “هوش مصنوعی، ماشین‌های هوشمند و انسان خردمند (هومو ساینس)”



مسابقه‌ی INK یک مسابقه‌ی ادبی است که توسط Akademio Literatura de Esperanto (آکادمی ادبی اسپرانتو) با همکاری Bobelarto و تحت حمایت انجمن جهانی اسپرانتو برگزار می‌شود و هدف آن تشویق به آفریدن داستان‌های ادبی توسط نویسندگانی از فرهنگ‌های مختلف است. مضمونی یکسان، دیدگاه‌های متفاوت، داستان‌های متفاوت...

## جزئیات مسابقه

از شما دعوت می‌کنیم داستان‌های کوتاهی با این موضوع بنویسید: “هوش مصنوعی، ماشین‌های هوشمند و انسان خردمند (هومو ساینس)” و آنها را قبل از ۳۰ ژوئن ۲۰۲۴ از طریق فرم آنلاینی که در سایت اینترنتی مسابقه قرار داده شده است ارسال کنید. داستان‌های کوتاه شما باید حداکثر در ۲۰۰۰ کلمه نوشته شوند. محدودیتی برای حداقل کلمات وجود ندارد. بنابراین از ارسال داستان‌های کوتاه هم استقبال می‌کنیم! نوشته‌های ارسالی شما نباید قبلاً در هیچ کجا چاپ یا منتشر شده باشند. اگر موضوع داستان برایتان جذاب است، می‌توانید حداکثر دو داستان کوتاه برای بخش مسابقه بفرستید. داستان‌های شما باید به زبان‌های اسپرانتو، ایتالیایی، کاتالونی، فارسی، روسی یا اوکراینی باشد. اگر به زبان دیگری نوشته‌اید، باید همراه با ترجمه‌ی آن با کیفیت بالای ادبی به یکی از زبان‌های اسپرانتو، ایتالیایی، کاتالونی، فارسی، روسی یا اوکراینی باشد. به عنوان مثال داستانی به زبان ژاپنی همراه با ترجمه‌ی خوب آن به زبان اسپرانتو، برای شرکت در مسابقه، قابل قبول است. هیئت داوران و کمیته‌ی بررسی داستان‌ها، نمایندگانی از فرهنگ‌های گوناگون هستند. آنها داستان‌ها را خواهند خواند و نام برندگان را در یکصد و دهمین کنگره‌ی جهانی اسپرانتو (UK) که توسط سازمان جهانی اسپرانتو (UEA) در سال ۲۰۲۵ برگزار می‌شود، اعلام خواهند کرد.

شرکت‌کنندگان در مسابقه به دو گروه تقسیم شده‌اند: گروه نویسندگان تازه‌کار و گروه نویسندگان حرفه‌ای. ممکن است این سوال برایتان پیش آید که شما به کدام گروه تعلق دارید؟ ما به طور اتوماتیک داستان شما را در گروه نویسندگان تازه‌کار قرار خواهیم داد، مگر آن که خودتان تاکید داشته باشید که در گروه نویسندگان حرفه‌ای و با تجربه قرار گیرد. در صورت تردید داشتن، کمیته‌ی بررسی‌کننده، راساً در این مورد تصمیم خواهد گرفت.

پنج نفر اول برنده در گروه نویسندگان تازه‌کار به ترتیب جوایزی معادل ۵۰۰، ۴۰۰، ۳۰۰، ۲۰۰ و ۱۰۰ یورو دریافت خواهند کرد. در گروه نویسندگان حرفه‌ای به ترتیب به پنج نفر اول جوایزی معادل ۱۰۰۰، ۸۰۰، ۶۰۰، ۴۰۰ و ۲۰۰ یورو تعلق خواهد گرفت.

برای کسب اطلاعات بیشتر و آگاهی از آخرین خبرها در مورد مسابقه، به آدرس اینترنتی زیر مراجعه فرمایید.

<https://bobelarto.ink/fa/konkurso/>

چهارمین دوره‌ی مسابقه‌ی «داستان‌های کوتاه بین‌فرهنگی»، شما را به نوشتن داستان‌های کوتاه با موضوع “هوش مصنوعی، ماشین‌های هوشمند و انسان خردمند” دعوت می‌کند.

هوش مصنوعی و ماشین‌های هوشمند در حال حاضر در زندگی ما حضور دارند. سال به سال بیشتر و بیشتر. در فروشگاه‌ها پول اجناس را می‌توانیم از طریق گوشی یا ساعت هوشمند خود نیز پرداخت کنیم. یک کامپیوتر کوچک در جیب خود حمل می‌کنیم که توسط آن می‌توانیم به اخبار و اطلاعات بیشتری دسترسی داشته باشیم. بسیار بیشتر از اطلاعاتی که یک فرد عادی در قرن پیش می‌توانست در کل طول زندگی خود به آنها دسترسی یابد. ما به تعامل با ماشین‌های هوشمند ادامه می‌دهیم و به حضور هوش مصنوعی در زندگی روزمره خود عادت کرده‌ایم. این فعل و انفعالات اغلب پیش پا افتاده، گاهی اوقات خنده‌دار، و گاهی اوقات نجات‌دهنده هستند. آنها همچنین می‌توانند ترسناک و حتی مخرب برای زندگی انسان باشند. انسان‌ها در مقابل روبات‌ها قرار دارند؟ یا در کنار آنها؟ یا این پیوند ظریف‌تر از این حرف‌هاست؟ هوش مصنوعی و ماشین‌های هوشمند مخلوقات مغز انسان هستند، درست مثل داستان‌های کوتاه شما. بنابراین، چه داستان‌های کوتاهی می‌خواهید بنویسید؟



سرکار خانم لادن نیکنام، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار  
رئیس افتخاری چهارمین دوره مسابقه بین‌المللی INK

# Marfanulino

Keyhan Sayadpour

“Kiam finiĝos la operacio?”

“Mi ne scias ekzakte. Plej eble ĝi daŭros ok horojn.” Respondis la flegistino.

Ok horojn! Kiom longe! Tamen mi restos antaŭ la operaci-ĉambro kun Dorota. Mi ne eltenas iri for. Mi komencis rememorigi kio okazis dum tiuj jaroj.

Unue mi rememorigis kiam unuafoje mi renkontis Dorota-on en festeno. Svelta kaj bela junulino, kun alta staturo, bona mieno kaj alloga trankvileco. Mi enamiĝis. Ne daŭris longe la afero. Ĉio estis en ordo. Ni geedziĝis. Estis dolĉaj tempoj. Post unu jaro Dorota gravediĝis. La amaraj tempoj komenciĝis post sep monatoj. Ekdoloris la koro de Dorota. Ekokardiografio kaj la diagnozo de damna sindromo nomata Marfanon.

La sindromo estas genetika. El problemoj en la koro kaj angioj, okuloj, skeleto kaj vizaĝo konsistas la malsano. Dorota feliĉe ne havis vizaĝan problemon. Marfanulinoj kun vizaĝa malsaniĝo ofte estas malbelaj. Se ŝi havis vizaĝan problemon, eble ne okazus nunaj aferoj. Tamen ŝi havis okulproblemon. Fakte, unue okulkuracisto antaŭ multaj jaroj parolis pri la ebla sindromo kiam li ekzamenis la okulojn de Dorota. Sed la patro kaj patrino ignoris. Tiu ignoro estas la nura malbono kion ili faris.

Dorota naskis Johanon kun nia timego. La risko de morto estas granda por marfanulinoj kiuj naskas bebon. Post la nasko, Dorota du fojojn operaciĝis pro la problemoj en la koro kaj aorto. Joĉjo estis 3-jara kiam kuracistoj rekomendis esploron pri Marfan sindromo. Duono de la gefiloj de marfanulo fariĝas marfanulo, malfeliĉe.

D-ro Richardson faris ekokardiografion. “Mi bedaŭras. Via filo estas marfanulo. La aorto estas ege larĝa. Li devas uzi medikamenton. Ankaŭ

liaj okuloj bezonas ekzamenon.” Diris d-ro Richardson.

Kvazaŭ okazus tertremo kaj la tuta oficejo detruigis sur ni. La trankvila kaj dolĉa Joĉjo estas marfanulo kun malsana aorto, kia malbona sorto.

La okula ekzameno malkovris okulmalsanon kaj la bezonon de operacio. Kiam post kelkaj monatoj kaj post la okula operacio, ni refoje iris ĉe d-ro Richardson, li ege miris. Oni ne povis kvietigi Joĉjon. Li ne povis vidi la doktoron dum la unua vizito kaj pro tio li estis kvietita!

Pasis jaroj kaj Joĉjo kreskis. Lin ekzamenis regule d-ro Richardson kaj skribis medikamentojn kontraŭ kresko de lia aorto. Pasis jaroj. Foje ekdoloris la koro de Joĉjo. Ni timis de malbona okazaĵo, disŝiro de aorto. Kiam doloris lia koro, kvazaŭ niaj aortoj disŝiris de angoro anstataŭ la lia.

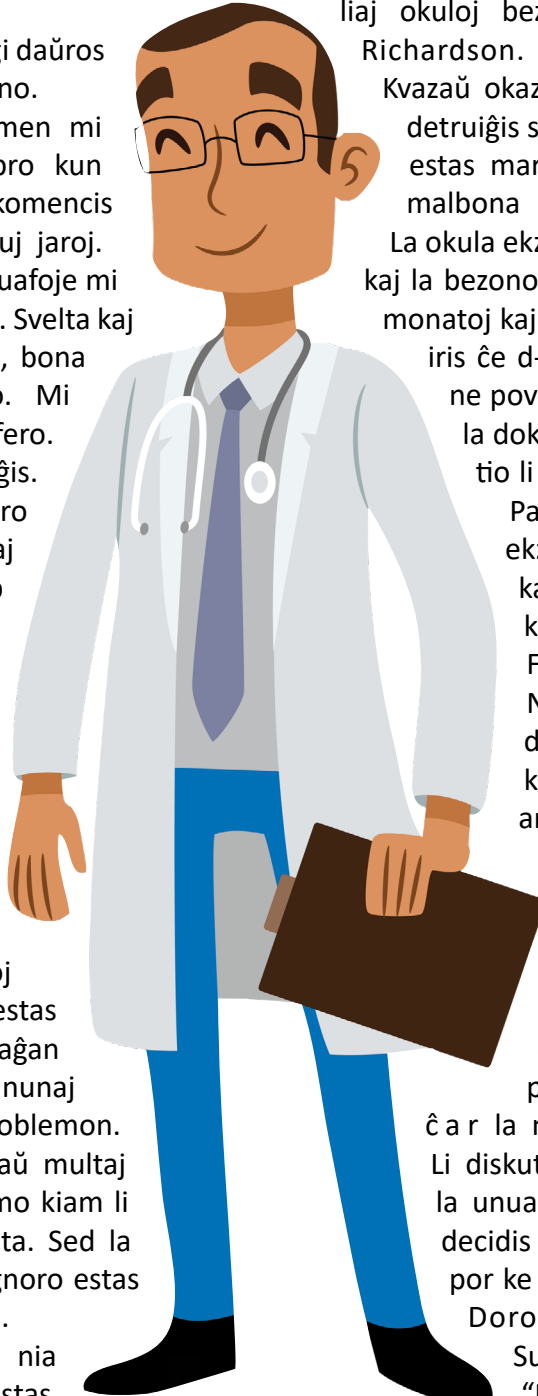
Joĉjo Fariĝis 16-jara. Estus pli bone diri Johanon ĉar li altiĝis kiel lia patrino kaj ne plu similis al knabo. Lia kordoloro intensiĝis. Li ne povis bone ekzerci. D-ro Richardson diris ke povas esti la tempo por kirurgio ĉar la mitrala valvo ne bone funkciis. Li diskutis la aferon kun la kolegoj kaj la unuanima decido estis kirurgio. Oni decidis operacii la aorton samtepe, por ke li ne bezonu duan kirurgion kiel Dorota.

Subite venis d-ro Gutter, la kirurgo.

“Mi gratulas. La kirurgio estis sukcesa kaj senproblema. Li

translokiĝas al la intens-zorga hospitalero.” “Dankegon Profesoro! Vi estas tre profesie talenta! Ni atendus pli longan kirurgion.”

“Ne estis mallonga. Ĝi daŭris sep horojn. Mi ĝojas ke ĝi ŝajnis mallonga por vi.” Ridetis d-ro Gutter.



D-ro Keyhan Sayadpour

# Zamenhof-tago en la Universitato de Tehrano

Irana Esperanto-Asocio okazigis surretan feston okaze de la Zamenhofa tago je la 15-an de decembro.

Geprofesoroj Humphrey Tonkin kaj Arko prelegis en la ĉi-jara Zamenhof-tago en la Universitato de Tehrano (kun persa interpretado).

Jen la titoloj kaj priskriboj de iliaj prelegoj:

Prof. Tonkin: "La problemo de lingva neegaleco"

Esperanto estis kreita por ebligi egalecan komunikadon inter ĉiuj homgrupoj surbaze de komuna lingvo. Sed ne estas klare, ke la ideo de lingva egaleco estas pozitive akceptata de ĉiuj homoj. Kiuj estas la obstakloj kiuj malhelpas lingvan egalecon?

Prof. Arko: "Esperanto, komuna lingvo de la homaro"

Kiel naskiĝis Esperanto? Kial ni pledas por lerni Esperanton? Ĉu Esperanto estas utila?

La registraĵon de la evento spekteblas en Jutuba kanalo de ILEI:

[https://www.youtube.com/playlist?list=PLufbtAhDHic1\\_hOCTqO9tBjZCkvisvVZn](https://www.youtube.com/playlist?list=PLufbtAhDHic1_hOCTqO9tBjZCkvisvVZn)

## La Zamenhofa tago en Kurdistan

Saghez, 15/12/2023

Ni festis la naskiĝdatrevenon de geniulo Zamenhof kaj ankaŭ la tagon de la Esperanta libro. La kurdaj esperantistoj en Saghez, kun la verda koro pro la espero, festis la plej festindan tagon, la Zamenhofan tagon kaj en bela, amika kaj paca etoso rememorigis la belegan idealon de Zamenhof, kiu estis la kreado de komuna lingvo por fari pacon kaj interkomprenon inter la homoj tra la tuta mondo. La ideo de Zamenhof ne nur estis krei komunan lingvon por pacigi la homojn, sed ankaŭ li dezirus ke ĉiuj homoj en la tuta mondo povu komuniki korespondi, amikiĝi kaj interŝanĝi siajn ideojn, pensmanierojn, kulturojn ktp.

Eble ankoraŭ malmultaj homoj en ĉiuj landoj konas Zamenhof kaj lian belan ideon kaj lingvon, sed laŭ Zamenhof: "Eĉ guto malgranda, konstante frapante, traboras la monton granitan." Do, ni esperantistoj de la tuta mondo ne forgesas la sonĝon de Zamenhof kaj guton post guto realigas lian belan paceman ideon .

Feliĉan la Zamenhofan tagon  
Ŝler Karimi



## سخنرانی نماینده سازمان جهانی اسپرانتو در کنفرانس عمومی یونسکو

سازمان آموزشی، علمی فرهنگی ملل متحد (یونسکو) هر دو سال یکبار یک کنفرانس عمومی دو هفته‌ای در ماه نوامبر (امسال: ۷ تا ۲۲ نوامبر) تشکیل می‌دهد و در هفته اول بیست ساعت به «بحث در مورد سیاست کلی» اختصاص می‌یابد: قبل از جلسه عمومی، هریک از اعضای سازمان به مدت شش دقیقه و هر یک از سازمان‌های غیردولتی (NGO) با درخواست قبلی، اجازه صحبت به مدت سه دقیقه را دارند. عملاً ۸۴ درصد از کشورهای عضو و حدود ۸ درصد از سازمان‌ها از این امکان استفاده می‌کنند، اما سازمان جهانی اسپرانتو (UEA) همیشه از این فرصت استفاده می‌کند. فقط در آخرین لحظه به ما در مورد مهلت پیشنهاد متن و تاریخ سخنرانی هشدار داده می‌شود، زیرا تصمیمات در طول خود کنفرانس عمومی اتخاذ می‌شود، اما این تاریخ‌ها قابل پیش‌بینی هستند. امسال، این سخنرانی در صبح روز شنبه ۱۱ نوامبر برگزار شد و متن زبان فرانسه توسط فرانسوا لو جاکومو، نماینده ارشد یونسکو و عضو هیئت مدیره UEA قرائت شد. مانند همه سخنرانی‌های دیگر، می‌توان آن را در وب سایت یونسکو مشاهده کرد:

[unesco.org/fr/general-conference/42/speeches?hub=79837](https://unesco.org/fr/general-conference/42/speeches?hub=79837)

و دقیق‌تر:

<https://www.youtube.com/watch?v=7Xm3OlcK7C0&t=5287s>

در زیر متن ترجمه شده به فارسی آمده است:



انجمن ما به لطف نسخه اسپرانتوی پیک یونسکو، فعالانه در جشن روز جهانی صلح و همچنین در انتشار دانش یونسکو شرکت می‌کند. کنگره جهانی بعدی ما، در پای کلیمانجارو، در تانزانیا، تمرین اسپرانتو را در این قاره که به سرعت در حال پیشرفت است، به شدت تسریع خواهد کرد. و بسیاری از مطالعات، به ویژه به لطف اتحادیه بین‌المللی معلمان اسپرانتو، که ما را در این کنفرانس عمومی همراهی می‌کند، ثابت می‌کنند که یادگیری اسپرانتو یادگیری بعدی زبان‌های دیگر را تسهیل می‌کند. بیا بید این ابزار قدرتمند را برای درک بهتر یکدیگر به فرزندان خود ارائه دهیم.

توجه: در مورد کمیته زبان سازمان ملل، در اینجا پیوندی با اطلاعات بیشتر وجود دارد:

<https://ngocongo.org/ngo-committees-in-new-york/>

منبع:

<https://sezonoj.ru/2023/11/unesko-33/>

خانم رئیس، عالیجنابان،

خانم دبیر کل، در مقدمه خود برای این بحث در مورد سیاست کلی، گفتید: «پیدا کردن یک زبان مشترک که ۱۹۴ کشور عضو بتوانند با هم صحبت کنند، آسان نیست». سازمان ما، انجمن جهانی اسپرانتو، می‌تواند در این زمینه به شما کمک کند.

در ۲۶ ژوئیه ۱۸۸۷، اولین کتاب راهنمای زبان بین‌المللی دکتر اسپرانتو، دکتری که امیدوار است، پدیدار شد، و با وجود همه موانعی که در مقابل آن قرار داشت، اسپرانتو اکنون توسط میلیون‌ها نفر در بیش از صد کشور جهان صحبت می‌شود. انجمن ما ریاست کمیته زبان سازمان ملل متحد را برعهده دارد. بیش از صد سال پیش، کشورهای طرفدار اسپرانتو در جامعه ملل نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دادند. یونسکو چندین بار با قطعنامه‌های سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۸۵ و از طریق پیام‌های مختلف از جمله شما، خانم دبیرکل، از ما حمایت کرده است. از این بابت از شما بسیار سپاسگزاریم.

وقتی بیش از چهل سال پیش، کلود پیرون، اسپرانتیست و مترجم برجسته به من گفت که مشکل اصلی برای درک متقابل خود زبان‌ها نیست، بلکه تفاوت‌های فرهنگی است، ابتدا شگفت‌زده شدم. اما به لطف اسپرانتو، این امر آشکار شد: صحبت کردن به یک زبان برای درک یکدیگر کافی نیست. با این حال، این دشواری نباید مانعی باشد، زیرا دقیقاً همین تنوع فرهنگی، دنیای ما را غنی می‌کند: هر تفاوت، ظرافت رنگی است که به موزاییک بزرگ جهانی ما می‌افزاید. زندگی برای مطالعه ۸۳۰۰ زبانی که اطلس شما فهرست می‌کند بسیار کوتاه است، اما اگر به جای اینکه ده‌ها ساعت را به چالش با افعال بی‌قاعده یکی از آنها اختصاص دهیم، به لطف یک زبان ساده و غیر استثنایی، به سرعت به مرحله بعدی، یعنی گفتگوی بین فرهنگی، دسترسی پیدا می‌کنیم. آنگاه ما در حال برداشتن گام قابل توجهی به سوی درک بهتر متقابل، و در نتیجه به سوی صلح هستیم.



81-a Hispana Kongreso de Esperanto en Seviljo  
12 – 15 oktobro 2023  
Verkinto: Liba Gabalda

هشتاد و یک‌امین «همایش اسپرانتوی اسپانیا» در شهر سویل  
از ۱۲ تا ۱۵ اکتبر ۲۰۲۳  
نویسنده: لیبیا گابالدا  
مترجم: زهرا نوبختی

La 81-a Hispana Kongreso de Esperanto okazis en la tre bela andaluzia urbo Seviljo, nomata perlo de Andaluzio. Post Madrido, Barcelono kaj Valencio ĝi estas la kvara plej granda urbo en la lando. Trafluas ĝin la rivero Guadalquivir.

Seviljo estas fama pro flamenko-danco, virbovo-bataloj kaj aliaj tradiciaj festoj. La Katedralo de Seviljo, 130 metrojn longa kaj 76 metrojn larĝa, estas la tria plej granda en Eŭropo kaj kvara plej granda en la mondo. Tre bela estas ankaŭ la reĝa palaco Alcázar, unu el la plej antikvaj en Eŭropo. La ĉef-placo Plaza de España estas belega

duon-cirkla historia monumento. Alia grava monumento estas la Torre del Oro (Ora Turo), en kiu troviĝas la muzeo pri maraj aferoj. En Seviljo oni trovas monumentojn el la romia, araba kaj eŭropa historio de la urbo, krom multaj parkoj, muzeoj kaj aliaj belaĵoj.

Dum la kongreso tamen ne estis sufiĉe da tempo por vidi ĉion vidindan – precipe se oni deziris ankaŭ ĉeesti la kongreson. La kongresa temo estis: "Komprenemo inter popoloj". Pri tiu temo prelegis je la fino de la kongreso la prezidanto de Universala Esperanto-Asocio, Duncan Charters.

Al la kongreso aliĝis pli ol cent kvindek esperantistoj el pli ol dudek landoj. La kongreson partoprenis la prezidanto de UEA kun sia edzino, kaj ankaŭ la ĝenerala direktoro Martin Schäffer kun sia familio. La kongreso okazis en la andaluzia sidejo de la Ĝenerala Unio de Laboristoj.

La kongreso estis sukcesa kun bona etoso. Koran dankon al la organizantoj pro tiu agrabla evento.

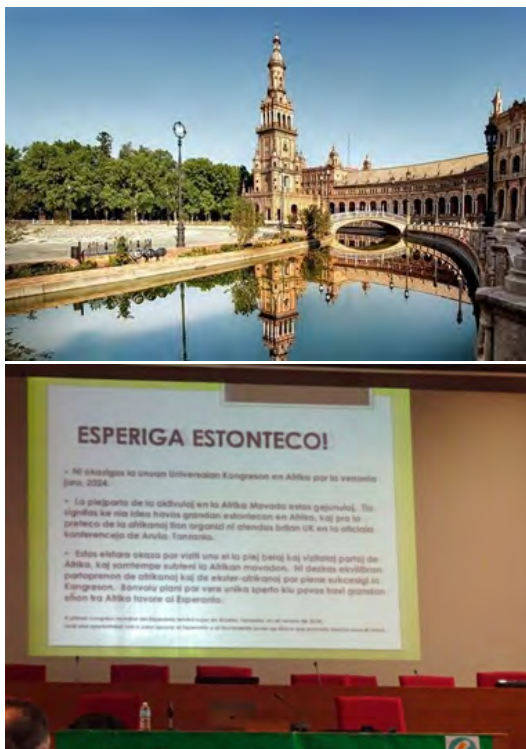
**Pri la verkinto**

Liba Gabalda estas ĉefdevena multjara esperantistino loĝanta en Francujo. Ŝi ŝatas foti kaj verki artikolojn pri diversaj Esperanto-eventoj, kiujn ŝi partoprenas kun sia edzo Floreal.

**Fonto:**

<https://uea.facila.org/artikoloj/kongresoj-kaj-kunvenoj/81-a-hispana-kongreso-de-esperanto-en-seviljo-r395/>

منبع:



هشتاد و یکمین همایش اسپرانتوی اسپانیا در شهر بسیار زیبای سویل آندلس، که به نام «مروارید آندلس» نیز مشهور است، برگزار شد. این شهر پس از مادرید، بارسلون و والنسیا چهارمین شهر بزرگ کشور اسپانیا است. رودخانه‌ی گوادالکیبیر (Guadalquivir) نیز از میان آن می‌گذرد.

شهرت سویل بیشتر به خاطر رقصِ فلامنکو، گوبازی و سایر جشن‌های سنتی آن است. کلیسای جامع سویل، با ۱۳۰ متر طول و ۷۶ متر عرض، سومین کلیسای بزرگ در اروپا و چهارمین کلیسای بزرگ در جهان است. کاخ سلطنتی آلکازار، که یکی از قدیمی‌ترین کاخ‌های اروپاست، نیز بسیار زیباست. نام میدان اصلی این شهر، «میدان اسپانیا» (Plaza de España) است، که بنائی تاریخی و زیبا به شکل نیم‌دایره است. بنای مهم دیگر شهر

سویل، توره دل اورو (Torre del Oro) یا «برج طلائی» است، که یک موزه‌ی دریائی جالب را هم در خود جای داده است. در سویل، بناهای مختلفی از دوره‌های تاریخی رومی، عربی و اروپایی را می‌بینید؛ علاوه بر آن‌ها، پارک‌ها و موزه‌های متعددی از زیبایی‌های دیگر این شهر است. با این حال، در طول این همایش اسپرانتو، زمان کافی برای دیدن همه‌ی این مکان‌های دیدنی وجود نداشت - به‌خصوص اگر می‌خواستید در تمامی برنامه‌های گوناگون این همایش حضور پیدا کنید. موضوع همایش امسال این بود: «تأمیل به تفاهم بین مردمان». رئیس «سازمان جهانی اسپرانتو» (UEA)، پروفیسور دانکن چارترز، در پایان همایش در مورد این موضوع سخنرانی کرد.

بیش از صد و پنجاه اسپرانتیست از بیش از بیست کشور دنیا در این همایش شرکت کردند. رئیس «سازمان جهانی اسپرانتو» همراه با همسرش و همچنین مدیرکل این نهاد بین‌المللی، آقای مارتین شِفر همراه با خانواده‌اش، در این همایش شرکت داشتند. این همایش در مقر «اتحادیه‌ی عمومی کارگران» در آندلس برگزار شد.

برپائی این همایش با موفقیت کامل همراه بود. با تشکر فراوان از برگزارکنندگان برای این رویداد دلپذیر.

درباره‌ی نویسنده‌ی این مقاله

خانم لیبیا گابالدا یک اسپرانتیست قدیمی چک است که سال‌هاست در فرانسه زندگی می‌کند. او دوست دارد با همسرش فلورال در رویدادهای مختلف اسپرانتو شرکت کند و در مورد آن‌ها مقاله بنویسد و همراه با آن‌ها عکس‌های خود را نیز از این همایش‌ها منتشر کند.



# بیانیه مطبوعاتی سازمان جهانی اسپرانتو (UEA) به مناسبت آغاز سال نو میلاادی

## ۲۰۲۴ مبارک، سال نخستین «کنگره جهانی اسپرانتو» در آفریقا: پیام آرزوهای خوب از UEA

UEA مال ماست، UEA ما هستیم. این بخشی از متن آهنگ Joel Muhire در مورد انجمن جهانی اسپرانتو (UEA) است که به صورت اختصاصی برای اختتامیه چهارمین کنگره مجازی اسپرانتو (VK) ایجاد شده است و برای همه از ۱ ژانویه ۲۰۲۴ در کانال یوتیوب UEAaviva قابل مشاهده است: [https://youtu.be/B5TB6P\\_ka5M](https://youtu.be/B5TB6P_ka5M).

سازمان جهانی اسپرانتو (UEA) در سال ۱۹۰۸ از افکار هکتور هودلر و بر اساس کار L. L. Zamenhof تأسیس شد. UEA انجمنی از مردم و با مردم است، انجمن بی طرف مشترک ما، که برای یک ایده آل از درک بین فردی تلاش می کند. اهداف اصلی آن گسترش استفاده از اسپرانتو، اقدام برای حل مشکل زبان در روابط بین الملل و ایجاد حس همبستگی قوی در بین اعضای آن است: یعنی کار برای مردم و همکاری برای پیشرفت اسپرانتو.

در سال ۲۰۲۴، سال برگزاری اولین کنگره جهانی اسپرانتو (UK) در آفریقا، UEA برای همه مردم، به ویژه اسپرانتودان ها، سلامتی، شادی و امید آرزو می کند. چالش های جهان بزرگ هستند - اما باید توانایی ما برای امیدواری و همکاری برای آنچه واقعاً مهم است، یعنی صلح و دوستی، بزرگ تر باشد. همه می توانند پیام سال نو را که توسط رئیس UEA، دکتر دانکن چارترز، برای شماره ژانویه مجله اسپرانتو نوشته شده است، بخوانند: [uea.org/revuoj/esperanto](http://uea.org/revuoj/esperanto). وی در این پیام سال ۲۰۲۳ را خلاصه می کند، دستاوردهای مهمی را برجسته می کند و «برای همه آرزو می کند سال ۲۰۲۴ پر نشاطی داشته باشد، و با هماهنگی کار کنند تا از طریق استفاده گسترده تر از زبان ما، جهانی مفاهیم آمیزتر و صلح آمیزتر را تضمین کنند».

ما صمیمانه از همه شما برای حمایت از UEA از طریق عضویت - [uea.org/alighoj/alighilo](http://uea.org/alighoj/alighilo) - و برای پیوستن به صد و نهمین کنگره جهانی اسپرانتو که بین ۳ و ۱۰ اوت ۲۰۲۴ (۱۳ الی ۲۰ مرداد ۱۴۰۳) در آروشا، تانزانیا برگزار می شود، تشکر می کنیم: [uk.esperanto.net/2024](http://uk.esperanto.net/2024). مطمئن شوید که تمام اطلاعات مربوط به UEA در سال ۲۰۲۴ را با بررسی اشتراک های خود در [uea.org/via/retlisto](http://uea.org/via/retlisto) به دست می آورید - به عنوان مثال می توانید یک هشدار خودکار در مورد هر شماره جدید مجله اسپرانتو، بیانیه های مطبوعاتی و موارد دیگر برنامه ریزی کنید. برای همه چیز در سال ۲۰۲۳ بسیار متشکریم! و بار دیگر بهترین آرزوها برای شما برای سال ۲۰۲۴!

UEA متعلق به شماست، UEA شما هستید!

منبع: بیانیه مطبوعاتی شماره ۱۱۴۷ سازمان جهانی اسپرانتو:

<https://uea.org/aktuale/komunikoj/2024/Felixan-2024-la-jaro-de-la-l-a-UK-en-Afriko-bondezira-mesagxo-de-UEA>

# ئایا به راستی ئیسیپرانتۆ زمانیکی ئاسانه؟

دهکریت ده ئه وهندهی زمانهکانی ئەلمانی، یان ئیسپانی یان هەر زمانیکی دیکه فییری زمانی ئیسیپرانتۆ ببیت. زۆر جار بانگهشهی له م جوړه ده بیستریت، به لام له سهر چ بنه مایه که؟ و سه یروش نییه ته نانه ت ئیسیپرانتیسته به ناوبانگهکانی جیهانیس سه بارهت به بابه ته سه ره تاییه کان هه له ده کهن - ئە گهر ئیسیپرانتۆ زمانیکی زۆر ئاسانه، ئەمه چۆن روو ده دات؟ پرسیارمان له ئە کادیمیست و زمانزان یو کو لیندستید کردوو.

به ئاسانبوون یان ئالۆزبوونی پیکهاتهی زمانیه وه؛ چه مکی پسپۆری بۆ ئەم بابه ته بریتییه له « ئالۆزی ».

به واتایه ک پیوهندی هه یه به م بابه ته وه که چه نده جیاوازی ریزمانی دهکریت ده ربهردریت (بۆ نمونه ئایا سفر یان دوو یان زیاتر کاری کاتدار (فعل زمان دار) هه ن که مروفت ده بیت له ههر رسته یه ک، له نیویاندا به ناچار هه لباردن بکات) و یاساکانی ده ربهرینیان چه نده ئالۆزن (بۆ نمونه، ئایا کاریکی کاتدار هه میسه هه مان هیمای هه یه یان نا). به لام سه رنج بدن که ئاسانی L2 چه مکیکی ئه زمونییه، که له رینگه ی تاقیکردنه وه کانه وه ده پیوریت، له کاتیکیدا که ئالۆزی تاییه ته ندیه کی پیکهاته ییه که له وه سفی ریزمانی زمانه که دا دیاره؛ هیشتا مشتومره له سهر ئه وه ی که چۆن ئالۆزی زۆر کاریگه ری هه یه له سهر ئاسانی.

- ئایا جوړیک حوکی زانستی هه یه سه بارهت به ئاسانبوونی ئیسیپرانتۆ؟

- ههر زمانزانیکی، به بینینی ریزمانی زمانی ئیسیپرانتۆ، به دلناییه وه تیبینی ئه وه ده کات که ریزمانی ئەم زمانه له چاو هه موو زمانهکانی دیکه له جیهاندا، تا راده یه ک ئالۆزییه کی که متری هه یه. به لام لیکۆلینه وه ئه زمونییه کان که من بۆ ئه وه ی بیسه لمینن که به راستی فیروبونی زمانی ئیسیپرانتۆ ئاسانتره له ههر زمانیکی دیکه. به گشتی هه یه به راوردکارییه کی ئه زمونی له و جوړه له نیوان زمانه نه ته وه ییه کاندانه کراوه.

Libera folio (گه لای ئازاد) - مانای جیه کاتیک ده گوتریت زمانیک ئاسانه و ئایا دهکریت ئەمه بیپوریت؟

یو کو لینستید - زمان به مانایه کی ره ها ئاسان یان قورس نییه به لکوو بۆ هه ندیک که س و هه ندیک به کارهتیا ئاسانه. زۆر جار ئاسانبوونی زمان به و مانایه یه که چه ند به خیرایی دهکریت وه کوو زمانی دووه م یان بیانی فییری ببین. له زمانناسیدا به وه ده گوتریت «ئاسانی L2» (ئاسانی زمانی دووه م). له بنه رته دا ده توانریت باس له «ئاسانی L1» یس (ئاسانی زمانی یه که م) بکریت. واته مندالیکی بچووک چه نده به خیرایی ده بیته خاوه ن زمانیک وه ک یه که م زمانی زگماکی خۆی. به لام پنده چیت که مندالان له هه موو شونینیکی جیهان ده توانن به بی کیشه ببنه خاوه ن ته نانه ت زمانه ئالۆزه زگماکییه کانیش و به دلناییه وه ئە گهر مروفت نه یه توانیایه ت زمانه که ی بگوازیته وه بۆ به ره کانی دواتر، هه یه چ زمانیک نه ده بوو.

بۆ به راوردکردنی ئاسانی L2 ده بیت سه ره تا ئه وه له به رچاو بگیریه ت که له ژیر کاریگه ری زمانی زگماکی فیرخوازه که دایه. بۆ نمونه، ئاخپوه رانی هه ندیک زمانی ئه وروو پایی له چاو ئاساییه کان ئاسانتر فییری وشه ی ئیسیپرانتۆ ده بن، یان به کارهتیا نی پیتی پیناسینی «la» بۆ ئه و فیرخوازه ی وا زمانه زگماکییه که یان پیتی پیناسینی تیدایه، ئاسانتره. به لام ئیستا زۆر به ی زمانناسه کان له و برۆایه دان که هه ندیک تاییه ته ندی پیکهاته یی ده توانن کاریگه ری دابنن له سهر ئاسانی L2 بۆ هه موو فیرخوازه کان جیا له زمانه زگماکییه کان. پیوهندی هه یه

– ئایا بۆ نموونه فیروبونی زمانی ئینگلیزی ئاسانتتره له ئالمانی. بهلام، مامۆستایانی زمان به پێی ئەزموونی تاکهکهسی خۆیان دهزانن که فیزکردنی زمانیک تا ئاستیکی دیاریکراو پهنگه کاتیکی زیاتر بخایه نیت له فیزکردنی زمانیکی دیکه تا هه مان ئاست، و ئەوهیش زانیاری راسته قینهیه، ته نانه ت ئەگه ر ناروونیش بیت.

– ئاگادارم که زۆر تاقیکردنه وهی قوتابخانهیی کراوه بۆ ئەوهی پیشان بدریت که فیروبونی زمانی ئیسپیرانتۆ تا رادهیهک ئاسانه. بهلام بۆ ئەوهی له راستیدا ئاسانبوونی زمانی ئیسپیرانتۆ له گه ل هه ندیک زمانی دیکه به راورد بکریت، ده بیت بۆ نموونه به هه رمه کی کۆمه لیک مندالی قوتابخانه دابه ش بکرین به دوو ژیرگرووپ، که په کیان فیزی زمانی ئیسپیرانتۆ ده بیت و ئەوی دیکه یان له هه مان بارودۆخدا فیزی زمانیکی دیکه ده بیت. ئەگه ر بۆ نموونه ئەوانه ی وا به ئاره زوی خویان ده چنه نیو ئەو ژیرگرووپه ی که فیزی زمانی ئیسپیرانتۆ ده بن، ئەو کات دۆخیکی ئەزموونی باشمان نابیت، چونکه دباره له سه ره تاوه ئەو فیزخوازانه پیوه ندیه کی ئەرینتیریان هه یه له گه ل ئیسپیرانتۆ یان به گشتی سه باره ت به زمانه کان کونجکۆلن.

– جگه له وهش، ته نانه ت ئەگه ر دابه شیوون به دوو ژیرگرووپ به شیوه یه کی هه رمه کیش بیت، ئەنجامه که ته نیا بۆ زمانی ئیسپیرانتۆ و یه ک زمانی دیکه و له ولاتیکی له یه ک بارودۆخی کومه لایه تی – فه ره نه نگیدا ده گونجیت. و ئەگه ر زمانه که ی تر له تاقیکردنه وه که دا ئینگلیزی بیت، چۆن ئەو راستیه یه به رچا و بگیریه ت که به شیک له خویندکاره کان له ده ره وهی قوتابخانه ش فیزی ده بن، بۆ نموونه له ریگه ی یارییه

کۆمپیوتهرییه کانه وه؟

– ئایا ده کریت به گشتی بلین که ئیسپیرانتۆ له زمانه کانی تر ئاسانتتره؟

– ده کریت بلین که ئیسپیرانتۆ ریزمانیکی تا رادهیهک ئاسانی هه یه و ئەوهش به دلنیا ییه وه فیروبونه که ی وه ک زمانی دووه م ئاسانتتر ده کات. نا کریت بلین که ده توانیت بۆ نموونه پینچ ئەوهنده خیراتر له زمانی ئینگلیزی فیزی زمانی ئیسپیرانتۆ بیت.

– ئەمه له روی زانستییه وه پیوانه نه کراوه، ئەگه ر پیوانه بکرایه ت، ئەوه ته نیا له ژینگه یه کی فه ره نه گی و زمانی دیاریکراوا بروا پیکراو ده بوو. و ناوه یانی زمانی ئیسپیرانتۆ وه کوو زمانیک که له هه موو زمانه نه ته وه ییه کان ئاسانتتره، واتیه کی نییه چونکه که س نه یوانیوه له گه ل هه موو ئەو شهش هه زار زمانه ی که له جیهاندا قسه یان پێ ده کریت، به راوردی بکات. گومانم له وه یه که لانیکه م هه ندیک له و زمانانه وه ک ئاسانی L2 (زمانی دووه م) ئاسانتتر بن له ئیسپیرانتۆ!

– به لام ئەگه ر لیکۆلینه وه ی زانستیش که م بوو بیت، زۆر به ی ئیسپیرانتیسته کان زمانی ئیسپیرانتۆ وه ک زمانیکی ئاسان هه ست پیده که ن و بۆیان ده رده که ویت که به خیرایی فیزی بوون و به خیرایی وه ک ئەندامی ته وا و چوونه ته نیو کۆمه لگه ی زمانه وه.

– ئەوه ئەزموونی راسته قینه ی زۆر که سه به منیشه وه، و نا کریت ته نیا به خه ون و خه یال یان وه همیک دابزیت. له گه ل پیکهاته ی ساده ی ئیسپیرانتۆ، گرینگه که خه لک فیزی ئیسپیرانتۆ ده بن له به ر ئاییدا و پالنه ره تاکه که سه یه کان نه ک زه ختیکی ده ره کی. فیزخوازه کان ده یانه ویت ببه

# Esperanto

The easiest language in the world

All nouns end with -o  
All adjectives end with -a

granda elefanto      rapida aeroplano



-j for plurals  
anasoj



All verbs end with..  
infinitive = -i  
present = -as  
past = -is  
future = -os

esti	estas	estis	estos
be	is	was	will

pronouns

mi estas	I am
vi estas	you are
li estas	he is
ni estas	we are
ili estas	they are

-a for possessive

mia libro	my book
via libro	your book
lia libro	his book
nia libro	our book
ilia libro	their book

Easy correlatives

	question k-	pointer t-	indefinite i-	universal ĉ-	negative nen-
Thing -o	kiu what	tiu that	io something	ĉio everything	nenio nothing
Place -e	kie where	tie there	ie somewhere	ĉie everywhere	nenie nowhere
Time -am	kiam when	tiam then	iam sometime	ĉiam always	neniam never

Useful affixes makes learning words easy

mal- = opposite  
-ej = place  
-ar = group

varma = warm	malvarma = cold
lerni = to learn	lernejo = school
arbo = tree	arbaro = forest

Studies have shown that after learning Esperanto, one can learn any other language much faster.  
1 year Esperanto + 1 year French > 2 years French

Learn Esperanto  
[www.lernu.net](http://www.lernu.net)

ئەندامى كۆمەلگە و دەستبەكەن بە بەكارهينانى زمانەكە. بوونى پالئەر ھەميشە فيرېبون خيراتر دەكات.

– ئەگەر دەخواريت ئيسپيرانتو بەرھوپيش بېريت، پيشنيار دەكەم ئەزمونە تاكەكەسيھەكان كۆ بکړينهوه و بناستيندريڼ: «ئيسپيرانتو زمانىكى ئاسان بوو بۆ من چونكە...». «حەزم لە بەكارهينانى ئيسپيرانتو ھەبەر ئەو ھى ...». ئەو ھى ريبازيكي كړدوھى دەبيت. ئەگەر لە توري ئينتيرنيت ھوتيليك ھەلبژيرين، ئەوا سەير دەكەين كە گەشتيارەكانى تر چۆن سەبارەت بە ئەزمونى تاكەكەسى خويان دەربارەى ھوتيلە جوړبەجوړەكان داوان. ئيمە بە دواى تاكيكردنەوھى كى زانستى ناگەريڼ كە بە پيوھى ژمارههې بە شيوھى بابەتى حوكم لە سەر چاكبوونى ھوتيلەكان بدات. بازركردن بړيك جياوازه لە تويزينهوهى زانستى.

– ئەو ئاسانبوونە ھەستپىكراوھى زمانى ئيسپيرانتو چى پىك دەھينيت؟ ئايا تەنيا تايبەتمەندى زمانەوانىيە، يان تايبەتمەندىيەكانى كۆمەلگەى زمانيشە؟

– ئەو راستىيە زۆر گرنگە كە كۆمەلگە زمانىيەكەمان ئاخيوھەرانى زگماكى نىيە، كە پيوھەكانى دەربرينى باش يان خراپ بەھينيتە بەر باس. بەلى، خەلكى رەسەنمان ھەيە (كە ھەك زمانى داىكى خويان، فيرى زمانى ئيسپيرانتو دەبن)، بەلام ئەوان روليكى لەو شيوھ ناگيرن. دەكرت بۆ نمونە ھەم بلين «helpi iun»<sup>۱</sup> و ھەم بلين «helpu al iu»<sup>۲</sup>، لە كاتيكدا كە لە زمانە نەتوھىيەكاندا ئاخيوھەرانى زگماكى زۆر جار تەنيا يەك جوړ لەو دەربرينە ھاوشيوھى وەردەگرن. ھەميشە دەتواندريت پيتيكي سەربار ھەلبژيردريت كە ماناكەى گونجاو بيت نەك تەنيا ئەو پيتە سەربارەى وا بە شيوھى كى نەريتى بەكار دەھينريت. تەنانەت ستايشى ئەو بەكارهينەرانەش دەكرت كە شيوھى نوي بۆ دەربرينى بابەتەكان دەدۆزنەو. پيموايە بۆ ئاسانبوونى ھەستپىكراوى زمانى ئيسپيرانتو، ئەم لىبووردەيەى كۆمەلگە زمانىيەكە بە ھەمان شيوھى پىكھاتەى زمانەكە گرنگە.

– بەلام بىگومان ئەو پشودريژيە سنورى ھەيە. ئيمە ناتوانين بلين «Mi perdis la ombrelon en la trajno, sed acetis novan el»

la butiko»<sup>۳</sup> ئەو ھى باو نىيە – بەلام بۆ كەسيك كە زمانەكەى فينلاندىيە، ئەو شيوھى زىكى ئاسايى دەربرينى ئەو رووداوانەيە. مروؤف دەبيت فير بيت بليت «Je la kvina horo»<sup>۴</sup>، ھەرچەندە دەرگا بە شيوھى كى مەنتقى چەندىن پيشگر و شيوھى ديكە بۆ ئاماژەدان بە كاتزمير دابھينرايەت.

– تەنانەت ئاخيوھەرانى بەئەزمونيش جارجار سەبارەت بە وردەكارىيەكانى زمان ھەلە دەكەن، رەنگە تا رادەيەك پيوھى ببيت بە پاشخانى زمانەوانى خويانەوھ. ئايا ئەو بەو مانايەيە كە ئيسپيرانتو زمانىكى ئاسان نىيە؟

– زۆر جار پيوھى بەو تايبەتمەندىيە پىكھاتەيەنەوھ ھەيە كە تياندا ئيسپيرانتو لە زمانەكانى ديكە ئالۆزترە. يەكيك لەوانە نيشانەى بەركارە (n) – تەنانەت ئاخيوھە بە ئەزمونەكانيش دەتوانن لەبىرى بکەن يان زۆر بەكارى بەينن. يەكيكى تريان جياوازي ناروونى نيوان كارە تپەرەكان و كارە ناتپەرەكانە، بۆ نمونە fini/finigi (كوتايى ھاتن/ كوتايى پى ھاتن)، بەلام ĉesigi/ĉesi (وھستاندن/ وھستان)؛ ئەمەش دەبيتە ھوى لەبىركردن يان زۆر بەكارهينانى پاشگرەكانى ig و ĝi.

– بەم دوو تايبەتمەندىيە دەتوانين باس لە ئەستەمبوونى – L2 ى گشتى زمانى ئيسپيرانتو بکەين، بۆيە پيناچيت پاشخانى زمانەوانى فيرخواز كاريگەريەكى ئەوتوى ھەبيت. بەلام بە دلبايەوھ كاريگەرى دادەنيت لە سەر بەكارهينانى «la» كە بۆ زۆرەي ئەو كەسانەى وا زمانە زگماكيەكەيان ئەو پيتە پيتاسينەى تيدا نىيە، ئەستەمە – يان تيدايە بەلام بە پىي ياسا و ريساى جياواز لە زمانى ئيسپيرانتو بەكارى دەھينن. زامينھوف ساكارترين زمانى نەئافراندووه، بەلكو لە نيوان پيوھە جوړبەجوړەكاندا سازشى لەسەر ئاساني و سادەبيدا كړد، كە تەنيا يەكيك بوو لەوان، تەنانەت ئەگەر گرینگترينەكەيشيان بووبيت.

سەرچاوه:

<https://www.liberafolio.org/2020/08/25/cu-vere-esperanto-estas-facila-lingvo/>

۱ - يارمەتيدانى كەسيك  
۲ - يارمەتى كەسيك بەدە  
۳ - چەترەكەم لە شەمەندەفەرەكدا ون كړدوو، بەلام يەكيكى نويم كرى لە دووكان.  
۴ - لە كاتزمير پينجدا

# الجنة للإسبرانتين



بعد ٣٨ عامًا من التبشيرية وأربع رحلات إلى فرنسا، ما زلت لم أزر قلعة جريسيلون. لذلك، في رحلتي الأولى إلى أوروبا بعد الوباء، اخترت القلعة كوجهة رئيسية

## تأشيرة

بعد الوباء، فشلت في الحصول على تأشيرة كمتحدث في مؤتمر طبي كبير في ألمانيا خلال العامين الماضيين. لذلك حاولت تغيير دوري وتقدمت بطلب للحصول على تأشيرة من السفارة الفرنسية باعتباري من أنصار الإسبرانتو. لا يمكنك أن تتخيل مقدار الفضل الذي اكتسبته لغة الإسبرانتو عندما اكتشف زملائي الطبيين نجاحي في الحصول على التأشيرة.

## عن القلعة

Gresillon تعني لعبة الكريكت أو المكان الذي تغني فيه الصراير. قصر مكون من ثلاثة طوابق يقع وسط الغابة وبه حوض مائي، على مقربة من مدينة باوج الصغيرة في شمال غرب فرنسا. تم بناء المنزل عام ١٥٨٥. وقد تغير أصحابه على مر السنين والقرون. وكان معظمهم أثرياء، ولكنهم لم يكونوا نبلاء. كان هنري ميكار أحد الإسبرانتو الفرنسيين المشهورين. قبل الحرب العالمية الثانية، قام بتنظيم دورات تعلم الإسبرانتو في فرنسا. بعد الحرب، بدأ بمواصلة الدورات ولكن كان من الصعب جدًا العثور على مكان. لذلك، اقترح جمع الأموال وشراء مكان لمثل هذه الأنشطة التي يقوم بها الإسبرانتو الفرنسيون. وبعد إجراء طويل، اشتروا القلعة وحولوها إلى دار ثقافة الإسبرانتو. ولا تزال المسألة مستمرة.

## Aütunas

شاركت أنا وزوجتي في يومين من أصل ١٠ أيام من التدريب الخريفي المثير للاهتمام، Aütunas. كان الجو جيدًا جدًا؛ عاش الإسبرانتو الساحرون معًا في القلعة كعائلة واحدة. أكلنا نفس الطعام معًا. وكانت الأطعمة الصحية، وخاصة الخضروات، التي يعدها طهاة القلعة بشكل احترافي، شائعة. أعترف أننا

تعلمنا الكثير والآن نقوم بطهي تلك الأطعمة في منزلنا في إيران. لقد كنا نادلين لأنفسنا، تمامًا كما هو الحال في منزلنا.

كان نظام القمامة مثاليًا أيضًا. لقد تم تقسيمهم. وتستخدم النفايات العضوية كأسمدة. تم استخدام البلاستيك والكهرباء بشكل أقل. كل شيء أخضر: ليس فقط الجزء الخارجي من القلعة، ولكن أيضًا أنشطة القلاع.

لقد أضفنا المزيد من الخضار إلى البرنامج. مشينا على الطريق بين القلعة وبلدة باوج الصغيرة أربع مرات. حتى أننا مشينا ذات مرة تحت رذاذ جميل

إلى رصيف المراكب الصغيرة القريب Saint-Martin-D'Arce.

شاركت في دورتين متقدمتين تحت إشراف خبير الإسبرانتو الفرنسي الشهير رينيه تريول. ناقشنا القضايا البيئية والسياسية والثقافية. حاولت المساهمة قدر الإمكان في المناقشات لأنني أتيت من ثقافة أقل شهرة.

وكانت مساهماتي الأخرى عبارة عن محاضرتين كلاسيكيتين: إحداها عن الحركة الإلكترونية الإيرانية والأخرى عن اللغة والثقافة الفارسية. وكانت المواضيع أيضًا غير مألوفة للعديد من المشاركين وربما أسعدتهم.

لن ننسى أبدًا تجاربنا في القلعة: عزيزي بريت، الذي حاول بلا كلل تنسيق كل شيء والذي يجب أن أشكره كثيرًا، طلاب الإسبرانتو الرائعين الذين زرعو الأمل في قلوبنا والأطفال المرحين الذين لعبوا الألعاب وأمتعونا مع أنشطتهم المثيرة للاهتمام (قرع جرس الوجبة قبل ساعة من الموعد المقرر بسبب الجوع، واستخدام الإنترنت كثيرًا لمشاهدة الأفلام، ولعب لعبة الاستغناء في الطابق الثاني مع الكثير من الضوضاء!).

الدكتور كيهان صيادبور



Universala Esperanto-Asocio  
سازمان جهانی اسپرانتو

# روز جهانی حقوق بشر

۱۹ آذر ۱۴۰۲  
(۱۰ دسامبر ۲۰۲۳)

کرامت، آزادی و عدالت  
برای همه انسان‌ها و همه زبان‌ها

حقوق بشر 75

به مناسبت ۷۵مین سالگرد صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر

En mia propra domo  
mi estas sendoma,  
kaj mia propra korpo  
estas senkora.

Mi ne vivas,  
mi ne amas,  
mi nur ploras...

Kiu venos kaj de kie?  
ĉar mia koro doloras,  
mi petas al vi, amiko,  
ne hezitu,  
ne klopodu helpi min,  
kun risiko...

Mi kutime estas sola.

در خانه ام  
بی خانمانم  
بدنم ام  
بی دل است.  
من زنده نیستم  
من عشق نمی دارم  
من فقط گریه می کنم...  
چه کسی و از کجا خواهد آمد؟  
چون قلمم درد میکند  
از تو می خواهم، ای دوست  
شک نکن  
سعی نکن به من کمک کنی  
با خطر کردن...  
من معمولاً تنها هستم.

Ángel Arquillos López (Esperanta poeto en Malago, prezidanto de la Hispana Eo-federacio)